

آنچه مردم انقلابی مامیخواهند...

هواپیماهای دشمن بر اثر آتش پدافند توپخانه هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران متواری شدند

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی اطلاعیه شماره ۳۵۲، عملیات مدافعان انقلاب را علیه تجاوزگران صدامی چنین برشمرد:

۱- رزمندگان نیروی زمینی، سپاه پاسداران و پیشمرگان کرد مسلمان در عملیات تهاجمی و یورش دلارانه خود، که از ساعت ۲ بامداد روز ششم دیماه آغاز شده بود، مزدوران ارتش عراق را، که ارتفاعات گزلی و ارتفاعات دالانی در غرب کشور را در اشغال خود داشتند، بیرون ریخته و ضمن وارد ساختن تلفات و خسارات سنگین بدشمن، ارتفاعات مزبور را به تصرف خود درآورده و با اجرای آتش شدید توپخانه، سلاحهای سنگین پادگان عراقی مقابل به این ارتفاعات را به آتش کشیدند، بهطوریکه شعله‌های آتش در تاسیسات دشمن از مواضع خودی بخوبی مشاهده میشد. در این عملیات نیروهای در حال اضطرار صدامی، در حال عقب‌نشینی و فرار دیده شدند. بدنبال ادامه این عملیات و تعقیب افراد فریب‌خورده دشمن، در سه روز گذشته ۸ نفر از نیروهای ارتش عراق کشته و تعداد زیادی مجروح شدند. از نیروهای خود، شش نفر مختصر جراحاتی برداشتنند.

بقیه در صفحه ۷

در روز آربعین حسینی، که با آربعین گسروهی از شهدای خوزستان نیز همزمان بود، میلیونها تن از مردم انقلابی و رنج‌دیده کشور ما به خیابانها آمدند و ضمن حرمت نهادن به خون شهدای کربلا، که قرن‌ها الهام بخش آنها در مبارزه علیه ظلم و ستم غارتگران بوده، همچنین تجلیل از شهدای خوزستان، که با جانبازی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کردند، دستاوردهای بزرگ انقلاب خود را ارج نهادند و عهد و پیمان بستند که این نهال خجسته را با تمام توش و توان خویش پاس دارند و به ثمر رسانند.

مردم، آنچنان که رسم سالیان انقلاب است، شعارهای مذهبی خود را با شعارهای سیاسی توأم ساختند و، در ضمن آنها، موضع بقیه در صفحه ۲

بهزاد نبوی:

آمریکا در صدد تهاجم به خلیج فارس است

* آمریکا برای زمینه‌سازی تهاجم بعدی، ماجراجویی داخلی در ایران را شروع کرده است.
* اگر آمریکا در دادن پاسخ تعلل کند، گروگانهای جادوس محاکمه می‌شوند.

«آمریکا پس از شکست در ماجرای حمله صدام به ایران، توطئه‌های داخلی را شروع کرده است»
بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرائی و سخنگوی دولت، که عصر دیروز در يك مصاحبه مطبوعاتی به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ میداد، بعد از اعلام مطلب بالا گفت: بقیه در صفحه ۲

نامه

مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۰۸
چهارشنبه ۱۰ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۲۳ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

درس عبرتی دیگر

ابدا برخلاف انتظار نبود. از کسی که با آنهمه گستاخی منافع توده دهقانان را در سراسر ایران لگدمال می‌کرد و نمی‌خواست انقلاب بزرگ ما برای این میلیون‌ها مستضعف، ثمره و دستاوردی داشته باشد، عجیب نیست که شیفته آمریکا باشد و به مامور آمریکائی بنویسد که: «بسیار تحت تأثیر امریکائیا قرار گرفته‌ام!»
از کسی که با آنهمه ریاکاری، هزاران هکتار زمین را در فارس، خودش و بقیه در صفحه ۲

نوشته‌های نامه «مردم»، در افشای روزانه تصمیمات و روشها و سیاستها و طرز عمل این ارباب زمیندار و صاحب کرسی وزارت، طی نامه بعد از انقلاب، با این نام آشنا هستند.
اینک افشاکری بسیار مهم و آموزنده دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، که متن نامه عاجزانه خود ایزدی را به کنسول آمریکا، مبنی بر درخواست مهاجرت به آمریکا منتشر کرده‌اند، تأیید بسیار ارزنده‌ای بر همه آن چیزی است که ما بارها نوشتیم. افشای این جنبه تازه از «شخصیت» ایزدی

نیمرخ تازه‌ای از چهره وزیر کشاورزی دولت موقت

خوانندگان قدیمی‌تر نامه «مردم» آنها که از آغاز پیروزی انقلاب با ارگان مرکزی حزب ما آشنائی دارند، در صفحات این روزنامه، از مدت‌ها پیش و بکرات، نام علیمحمد ایزدی را خوانده‌اند. برای آنها ایدا تعجب‌آور نیست که اینک در افشاکری دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، بار دیگر نام این آقای وزیر کشاورزی دولت موقت، زمیندار بزرگ، لیبرال سرشناس، امریکازده مشهور، ضدتوده‌ای و ضددهقان و ضد خط امام را می‌شنوند.
همه این خوانندگان قدیمی ما از طریق

سه رفیق توده‌ای رافورا آزاد کنید!

سه تن از اعضاء حزب توده ایران، رفقا خالد قریشی (مسئول سازمان حزب توده ایران در بوکان)، عبدالله کردپور (از مسئولان سازمان حزب توده ایران در بوکان) و کریم نورانی (مسئول سازمان جوانان توده ایران در بوکان)، که چند روز پیش بدون هیچگونه دلیلی در نزدیکی میاندوآب دستگیر شده‌اند، متأسفانه هنوز در بازداشت بسر می‌برند.
ما ضمن تجدید اعتراض شدید خود به این اعمال غیرقانونی، خواستار آزادی فوری سه رفیق توده‌ای هستیم.

تکذیب

روزنامه «جمهوری اسلامی» در شماره ۸ دیماه ۵۹ خود، اطلاعیه «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فسا» را، که در ارتباط باحمله ضدانقلاب و گروههای مشکوک به صف تظاهرات مردم در روز آربعین، انتشار یافته، چاپ کرده است. در این اعلامیه در مورد ترکیب مهاجمان آمده است:
«بعضی روسای کانونهای دفتر حزب رستاخیز شهرستانها و عده‌ای از مجاهدین خلق و گروههای چپی و یگبار و توده‌ای بودند».

ما ضمن تکذیب قاطعانه شرکت توده‌ایها در چنین عمل ضدانقلابی، تاسف عمیق خود را از چنین اظهارات ناصوابی در مورد توده‌ایها ابراز میداریم. بنظر ما حزب توده ایران را، که پشتیبان صدیق انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، در کنار گروهکهای ضدانقلابی چون «یگبار» و «رستاخیز» قراردادن، چیزی جز افترا نیست و لذا به اتحاد نیروهای راستین انقلابی زیان میرساند و در نتیجه بسود ضدانقلاب است.

جالب است بدانیم که لیبرالها نیز کمی پیش، در حوادث مشهد و اصفهان، پای حزب توده ایران را بمیان کشیدند و بدینوسیله خواستند افکار عمومی را از مسئولین اصلی این حوادث منحرف سازند.

ما امیدواریم که «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فسا» با احساس مسئولیت سنگینی که برعهده این نهاد انقلابی است، در ارزیابی اشتباه‌آمیز و زیانبخش خود در مورد حزب توده ایران تجدیدنظر کند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۹/۱۰/۲۹

هشدار:

افراد مسلح پالیزبان و سردار جاف قصد حمله به غرب کشور را دارند

به‌دنبال ادامه پاکسازی ضدانقلابیون داخلی در مناطق ریجاب و دالاهو توسط سپاه پاسداران منطبق، ضدانقلابیون وابسته به آمریکا و رژیم صدام به مرزهای ایران و عراق گریخته‌اند و در دهکده «بزمیرآباد» از نقاط مرزی، مستقر شده‌اند.

اطلاعات رسیده از منطقه حاکیست که در حال حاضر حدود ۲۰۰۰ نفر از ضدانقلابیون کردستان در منطقه دالاهو و ریجاب تحت فرماندهی پالیزبان و سردار جاف در دهکده بزمیرآباد مستقر شده‌اند و قصد دارند به مناطق غرب حمله کنند.

بزمیرآباد، یکی از راههای تدارکاتی ضدانقلابیون کردستان و منطقه غرب است و هلی‌کوپترهای عراقی دائما در این ناحیه در رفت و آمد هستند و اسلحه و مهمات به ضدانقلابیون می‌رسانند. این ضدانقلابیون با قاسم‌علی و عزالدین حسینی نیز تماس گرفته‌اند.

همزمان با پاکسازی ضدانقلابیون، پاسداران و دیگر نهادهای انقلابی و اداری، مثل جهاد سازندگی و سازمان بهداری به رفع مشکلات مردم مشغولند و هر روز عده‌ای از مردم کوچ کرده این منطقه به خانه‌های خود باز می‌گردند. در اوایل جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام علیه ایران، کلیه اهالی ریجاب و دهات اطراف به گزند غرب کوچ کرده بودند، ولی با ورود پاسداران، حدود ۲۰۰۰ نفر از مردم به‌خانه‌های خود بازگشته‌اند و بکارهای کشاورزی و دامداری مشغول هستند.

پاسداران هم‌اکنون ضدانقلابیون را تا دهکده بزمیرآباد، واقع در مرز ایران و عراق، به عقب‌رانده‌اند.

ما از مقامات مسئول می‌خواهیم که با حمایت جدی و همه‌جانبه‌ای از پاسداران انقلاب، امکانات آنها را برای سرکوب ضدانقلابیون در این منطقه افزایش دهند.

در جلسه علنی دیروز
مجلس گفته شد:

موجب تمام
بدبختیها در این
سرزمین، آمریکای
جنایتکار است

صفحه ۷

بدین امید؟!!

برژینسکی:

«ایران يك همسایه شمالی (شوروی) دارد که پیوسته از جنبه‌های تاریخی و سنتی تهدیدی برای حاکمیت ایران بوده است».

(اطلاعات - ۸ دیماه ۱۳۵۹)

روزنامه «انقلاب اسلامی»:

«راستی بیش از یکقرن و نیم از معاهده‌های ننگین ترکمن‌چای و گلستان میگذرد. بحرانی که در آن موقع در ایران بود، باعث از بین رفتن شیرازه‌هایی گشت که تمامیت ارضی کشور را حفظ میکرد. هجوم سازمان‌یافته قدرتهای شرق و غرب به ایران، ایرانی را از فکر و خلاقیت بازداشت و شد آنچه که شد، و از ممالک محروسه ایران نیمی بیش‌باقی‌نماند. درباره جمهوری‌های اسلامی شوروی، که در زیر لوای کفر دست و پا می‌زنند، باید کاری کنیم».

(از سرمقاله روزنامه انقلاب اسلامی ۸ دیماه ۱۳۵۹ - صفحه ۲، که با جمله «بدین امید» پایان می‌یابد).

سال میلادی چگونه گذشت (۱)

صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

نیمرخ تازه‌ای...

بقیه از صفحه ۱

خانواده‌اش غصب کرده بود و با توسل به عناصر نابابی که در ارگانهای استان نفوذ کرده بودند، یا خودش در ادارات بکار گماشته بود، هرگونه حق‌طلبی را سرکوب می‌کرد، ابتدا عجیب‌نیست که بنویسد، عاشق «حسن رفتار امریکائیا نسبت به یکدیگر» شده است!

از کسی که دهها سال خشن‌ترین رفتار را با دهقانان فارس داشت، چه‌جای شکفتی که در طول اقامت ۷ ساله قبلی خود در سرزمین شیطان بزرگ، در این مرکز زورگوئی و ستم و مظلم غارت و نژادپرستی و اختلاف طبقاتی، شاهد «حسن رفتار» بوده باشد!

از کسی که تمام بزرگ مالکان و لیبرالها را گردمی‌آورد و «شورای کشاورزی» و «سمنار» تشکیل می‌داد، تا بزرگ مالکان و بزرگ سرمایه‌داران را متحد کند و در برابر موج عظیم جنبش دهقانانی که به دفاع از انقلاب برخاسته بودند، به مقاومت وادارد، اصلا عجیب نیست که در گرماگر نبرد انقلابی خلق، در خرداد ۵۷، به سفارت امریکا بنویسد:

«بعد از یک بررسی دقیق، اکنون احساس علاقه می‌کنم که به امریکا برگردم و بکوشم یک شهروند مفید برای امریکا باشم!»

از کسی که در همدستی با پاران لیبرال و امریکازده‌اش در وزارت بازرگانی، ارتباط با ساواکی‌های سابق برقرار می‌کرد و آنها را بمقامات عالی توصیه می‌کرد، به هیچوجه عجیب‌نیست که آرزویش «شهروند مفید امریکای» بودن باشد.

برای کسی که صراحتا اصلاحات ارضی شاه ملعون را میستود و آنها برای روستاهای ایران و اقتصاد کشاورزی ما کامل میدانست و معتقد بود که از برکت شاه، ایران دیگر بزرگ‌مالک و فئودال ندارد، ابتدا عجیب نیست که در نامه‌اش به «بیست سال سابقه»، تجربه در اداره یک مزرعه بزرگ و دارائی پانصد هزار دلاری، اش به‌ناز و آنها وثیقه خدمتگذاری به وطن جدیدش و دلیل شهروند مفید امریکا بودن جا بزند!

برای کسی که اعلامیه‌های غلاظ و شدداد در مقام وزیر دولت موقت بعد از انقلاب، علیه دهقانان زحمتکش صادر میکرد و مبارزه انقلابی آنها را بنام «زورگوئی» و «تصرف عدوانی» تخطئه میکرد و تمام کینه کور طبقاتی خود را علیه آنها متوجه مینمود و وزارت کشاورزی را در تمام تار و پود خود طاعونی نگاه میداشت، ابتدا تعجب‌آور نیست که در نامه خود می‌گوید:

«با مهاجرت به امریکا میتوانم سرمایه و امتیازی برای آنجا باشم و خسارتی برای کشور منتخب خود نداشته باشم!»

برای کسی که با جسارت فراوان در برابر خط امام می‌ایستد و زیر بانه دروغین «اسلام» پنهان میشود و حتی به تحریف و جعل سخنان امام خمینی می‌پردازد، تا مالکیت رانام محدود بداند و مشروع و مشروط بودن آنها انکار کند، البته جای شکفتی نیست که بخواهد به امریکا فرار کند و تبعه «بهشت مسعود» شود، «کارت سبز» بخواهد و عاجزانه و ملتسانه به کشور امریکا بنویسد:

«این امر برای اهمیت بزرگی دارد، نگران شده‌ام!»

جناب آقا درست در روزهایی از تاخیر در صدور روادید امریکا «نگران شده» بود، که قم و تبریز، اصفهان و تهران خون میریختند و سینه در برابر شاه دژخیم سیر کرده بودند.

برای جناب آقا «اهمیت بزرگی» داشت که با پانصد هزار دلار در چمدان، ثمره غارت طولانی دهقانان و سایر زحمتکشان ایران، به «سپین منتخب» بگریزد، درحالی که درست در همان روزها برای میلیونها دهقان و دانشجو، کارگر و روحانی، پیشه‌ور و کارمند، که در شهرها و دهات ایران میرزمیدند، اهمیت بزرگی داشت که امریکای منتخب او را بیرون رانند و در

استقلال و آزادی، یک جمهوری اسلامی ایجاد کنند که در آن، خود این ده‌میلیون تن، شهروندان مفید و متعهد باشند. یکسال و نیم قبل از آنکه نیمرخ تازه‌ای از چهره وزیر کشاورزی دولت موقت، با افشای سند مزبور، برملا گردد، مساجد جوانب مختلف عمل و سیاست و سخن او را در معرض قضاوت مردم قرار دادیم.

آنچه در این باره نامه «مردم»، در همان ماههای نخست پس از انقلاب، تابستان و پاییز سال ۵۸، نوشت، آسان نبود گشته بنویسد، اما نوشت، زیرا اجرای سیاستی ضدانقلابی را در یکی از حساس‌ترین عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور، توسط علیمحمد ایزدی مشاهده می‌کرد. ما با کسی دعوی شخصی نداشتیم و نمی‌دانستیم این شخص چگونه کسی است. ما خبر نداشتیم که علیمحمد ایزدی، شش ماه قبل از بهمن ۵۷، خواستار مهاجرت به امریکا بوده، ولی حالا میراث‌خوار انقلاب ضد امریکائی شده.

ما با سیاست ضدانقلابی ارضی و دهقانی او، با مسخ دستاوردهای انقلاب بوسیله او و با سرکوب مبارزه دهقانان توسط او روبرو بودیم. ما بخاطر دفاع از انقلاب و ره‌نیدن اهداف انقلاب از چنگال تحریف لیبرالی‌اش، کار و عمل او را قاش ساختیم. و حالا، این سند افشاگر و رسواکننده درخواست مهاجرت او به امریکاست که توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام قاش میشود و تمامی چهره او را در برابر دید همگان قرار می‌دهد.

و در اینجا است که سؤال اصلی مطرح می‌شود:

چه دستی و چه سیاستی بود که چنان شخصی را صاحب املاک بزرگ، دارنده پانصد هزار دلار پول در امریکا با سابقه ۷ سال اقامت در امریکا و مالکیت ارضی و مستغلات در آنجا، و بویژه کسی را که میخواست «شهروند مفید امریکا» شود و خود را سرمایه و امتیازی برای امریکا میدانند - به مسند وزارت در یکی از حساس‌ترین موسسات نشانده، آنهم بعد از انقلاب بزرگ ضد امریکالیستی، مردمی و بویژه ضد امریکائی ما؟

چه کسانی، به چه نحو، با چه سائلی، چنین فردی را به آقای مهندس بازرگان توصیه کرده بودند و آیا خود ایشان قبل از انتخاب ایزدی برای پست وزارت کشاورزی از این درخواست مطلع بوده‌است؟ پس از آنکه معاون نخست‌وزیر دولت موقت نه فقط «شهروند مفید»، بلکه جاسوس امریکا از آب درآمد و به این اتهام اینک در اوین بسر می‌برد، این دومین عضو دولت موقت است که «شهروند مفید» امریکا شده است. آیا این سؤال‌انگیز و مهمتر از آن، عبرت‌آموز نیست؟

ما در تمام دورانی که خطر مهلك سیاست و عمل علی‌محمد ایزدی بزرگ مالک را خاطر نشان می‌کردیم، از وجود این سند رسواگر اطلاع نداشتیم، ولی آن سیاست و عمل نشان میداد که چه کسی در دولت موقت لانه کرده و چگونه در پیکر انقلاب زهر می‌ریزد.

اکنون معلوم میشود کسی که با اصلاحات ارضی مخالف است، کسی که طرفدار بزرگ مالک است، کسی که سیاست سرکوب دهقانان را در پیش میکشد و علیه حزب توده ایران آتیمه تهمت ناروا میزند و به نامه «مردم» آتیمه توهین میکند، شخصی است که از اصل، یک یا «شهروند مفید امریکا» بود و دلش بخاطر مبین «منتخبی» و «حسن رفتار» امریکائی‌ها می‌طیبد و کمترین عقیده‌ای به اینکه دشمن اصلی انقلاب ما امریکاست، به اینکسه شیطان بزرگ امریکاست و به اینکسه باید تمام قلمها و فریادها را علیه او متوجه کرد و او را از پایگاههای داخلی‌اش - و از جمله بزرگ‌مالکی - محروم کرد، نداشت و ندارد.

برای هر فرد علاقمند به سرنوشت انقلاب این سؤال بطور جدی مطرح است که: چه میخواستند بر سر انقلاب بیاورند؟ چه کسانی، چه نقشه‌هایی و چه سائلی داشتند؟ و هم‌اکنون چه باید کرد، تا از شر این گسان، نقشه‌ها و سائلی آنها

خلاصی یافت؟ روزنامه‌ای که خلطش با لیبرالها میزان است و از افشای عناصر سازشکار و تسلیم طلب دولت موقت ناراحت و نگران شده است، فاش شدن ارتباطات با امریکا و اصرار به شهروند مفید شدن را «افشاگری استالینیستی» می‌نامد و در صدر مقاله مربوط به افشای سند توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، با حروف درشت و با توسل به آیه قرآن (همان شیوه ایزدی) می‌نویسد: «هرگاه فاسقی برای شما خبر آورد، تحقیق کنید.» چنین روزنامه باخبری، خبر میدهد که: «ایزدی مدت‌هاست در امریکا بسر نمی‌برد.» (از کدام مرز گذشته؟ کی و چگونه؟ با مشارکت و کمک چه کسانی؟ چه چیزی با خود برده؟ چه اسناد و مدارکی و چه ثروت و اندوخته‌ای به‌مراه داشته؟)

آری، بقول معروف، مرغ از قفس پریده است و با پانصد هزار دلار پول در حساب بانکی و «تجربه مدیریت» در حال مسخ کامل و تبدیل به شهروند مفیدی برای امریکاست. پس مسئله شخص او حداکثر میتواند حالا بعنوان یک مسئله قضایی و احتمالا استرداد مجرم، یا کسی که غارتها کرده و پولها بلند کرده و دهقانان را چابیده و احتمالا اسراز و اسناد دولتی با خود داشته، مطرح شود و دیگر شخص او مستقیما در مقابل انقلاب مطرح نیست، اما سیاست و نحوه عمل او چطور؟ آن گروه بندی و دسته و محفل و میزانی که طبق همان روش و سبقه کار میکنند و همان افکار و نظریات و علائق را دارند، چطور؟ درست بهمین خاطر است که تا چوب را برداشته‌اند، داد و فغان گریه زده به‌بوا بلند شده و «میزان» آن سرمقاله سراپا توهین به خط امامی‌ها، به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و همچنین با طعنه و کنایه به «دولت مکتبی» و انقلابی رانوشته است. برای «میزان» بدیهی می‌نماید که شخصی درخواست مهاجرت و شهروند امریکا شدن را داشته باشد، ولی چون «عملی مربوط به قبل از انقلاب» است، بعد از انقلاب ضد امریکائی می‌تواند وزیر شود! اما برای مردم ایران و همه انقلابیون بسیار مهم است که وزیر کشاورزی دولت موقت چه کسی بود؟ چگونه سیاستی (ضد خط امام، ضد انقلابی، ضد دهقانی و ضد توده‌ای) داشته؟ چگونه به دولت موقت راه یافته؟ چقدر آگاهی نسبت به سوابق او نزد همکارانش موجود بوده؟ و بالاخره آنچه از همه مهمتر است، چرا حالا این همه بعضیها از افشاگریها میترسند و میخواهند قضیه را ماست‌مالی کنند و افشاگر را «فاسق» می‌نامند و با برچسب «استالینیستی» میخواهند افشاگری را، بخيال خود، از اعتبار بربازند؟

چرا این افرادی که به نام «آزادی» (آزادی برای غارت و سازش و وابستگی) و «قانون» و «دمکراسی» آن همه سینه چاک میدهند، یکدفعه معتقد میشوند که نباید توده مردم را، که «احساساتی و سطحی‌نگر هستند، در جریان اینگونه مسائل» گذاشت؟! چرا سر این مسائل که میشود، «توده مردم بنا بر غریزه و تمایل، براحتی تحریک و تپیح میشوند»؟

وای که اگر توده مردم، از ورای همه ادعاهای تقدس و آزادیخواهی، با تمامی چهره سالوس و وابستگی آشنا شوند! وای اگر توده مردم بدانند که چه کسانی وقتی سخن از خون سرخ شهید میزنند، به کارت سبز امریکا می‌اندیشند؛ وقتی دم از انقلاب ایران میزنند، «دشمن منتخب» شان امریکاست؛ وقتی هم که در مقاوم وزیر و کیل و مشول و رئیس جلا خوش می‌کنند، نه بمشابه یک انقلابی یا حداقل یک ایرانی، بلکه بمشابه شهروند ثروتمند مفید برای امریکا عمل می‌کنند!

برای مردمی که بیش از یکسال پیش نامه «مردم» را خوانده‌اند، شناخت نیمرخ جدیدی از چهره ایزدی عجیب نیست. باشد که مردم تمامی چهره هیالکی‌های ایزدی‌ها را هم بهتر و بهتر بشناسند. این بسود تعمیق انقلاب راستین ما، فارغ از موریانه‌هاست.

آمریکا در صدد تهاجم...

بقیه از صفحه ۱

«به موجب اطلاعات واصله، آمریکا در صدد تدارک يك تهاجم به خليج فارس است.» بهزاد نبوی، ضمن اشاره به توطئه‌های گوناگون و زمینه‌سازی‌های امپریالیسم امریکا در اجرای توطئه‌های خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران گفت:

«امریکا قبل از انجام هر توطئه، مثل طیس و نوزده، یکسری ماجراجوئی‌های داخلی را شروع می‌کند. طبیعی است که برای این کارها زمینه‌سازی داخلی لازم است. اینک نیز براساس اطلاعاتی که به ما رسیده، امریکا قصد دارد به بهانه‌های گوناگون، از قبیل ناپسامانیهای که در منطقه وجود دارد، تهاجم خود را به خليج فارس آغاز کند. امریکا همیشه با ایجاد یکسری شایعه از جمله کودتا و... سعی کرد که تگذار در رژیم جمهوری اسلامی با ثبات انجام وظیفه کند. شایعات از جانب خود امریکا برای روحیه دادن به عمال امریکا در داخل کشور است. ما احتمال تهاجم را می‌دهیم و مقابله خواهیم کرد.»

بهزاد نبوی در بخش دیگری از مصاحبه مطبوعاتی خود، به سؤالات مختلف در مورد «گروگانهای» جاسوس امریکائی پاسخ گفت. وی ضمن خاطر نشان ساختن این مسئله که:

«جنگ ما با امریکا با مسئله گروگانها شروع نشده و با این مسئله نیز خاتمه نمی‌یابد. جنگ ما جنگ استقلال است و امریکا می‌خواهد به ایران دوباره مسلط شود.»

در مورد شرایط ایران و چگونه برخورد ایران به مسئله «گروگانهای» جاسوس امریکائی گفت:

«نماینده دولت الجزایر ۳ تا ۴ روز پیش به ایران آمد و از اینجا مستقیما به واشنگتن رفت، تا با مقامات امریکائی در زمینه آخرین یادداشت ما با آنها صحبت کند. تا آنجایی که ما به نتیجه رسیده‌ایم، جز آخرین شرط ما راه دیگری وجود ندارد. ما می‌دانیم که امریکا بهانه‌جویی می‌کند و حرفی برای گفتن ندارد.» بهزاد نبوی اضافه کرد:

«طبیعی است که اگر احساس کنیم که امریکا در دادن پاسخ تعلل می‌کند، به وظایف قانونی خودمان عمل خواهیم کرد. چه ماندن این ۵۴ نفر، چه رفتنشان، برای ما یکسان است. اگر مصوبات مجلس مو به مو انجام نشود، اینها اینجا خواهند ماند.»

بهزاد نبوی در بخش دیگری از مصاحبه مطبوعاتی خود، در مورد مالکیت خصوصی در جمهوری اسلامی ایران گفت: «در برنامه دولت به این مسئله برخورد شده است و دیشب در هیئت دولت قرار شد که در این زمینه ضوابط عملی تعیین و مشخص شود که مرز مالکیت خصوصی تا چه حد است.»

در حاشیه

سؤال «میزان»!

«میزان» دیروز در مصاحبه مطبوعاتی بهزاد نبوی پرسید: «چرا شما ۱۰ میلیارد دلار به شرط‌های آزادی گروگانها اضافه کردید؟» بهزاد نبوی (با خنده) پاسخ داد: «ما انتظار داشتیم که این را روزنامه‌های امریکایی بپرسند!»

شایعه‌سازان را بشناسید

در همین مصاحبه مطبوعاتی بار دیگر «میزان» از بهزاد نبوی در مورد وجود شایعه ترمیم کابینه و تمویض ۲ وزیر سؤال کرد. بهزاد نبوی در پاسخ گفت: «البته این شایعات را شما می‌دانید، چون من که وزیر کابینه هستم، نه از این شایعه اطلاع دارم و نه از استعفای وزیر!»

آنچه مردم...

بقیه از صفحه ۱

خویش را در قبال مسائل اساسی انقلاب مطرح کردند. مردم از رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و روحانیت مبارز پیرو خط امام، که مورد تهاجم تمامی ضدانقلابیون داخلی و خارجی هستند، بار دیگر بیدریغ پشتیبانی کردند و آنها را راه، که علیه روحانیت مبارز پیرو خط امام و امام خمینی، توطئه می‌کنند و قصد تضعیف آنها را دارند، خائن و دشمن انقلاب نامیدند و محکوم کردند.

مردم به قیدرت طلبان و سازش‌کاران، آنها را که میان مردم، رهبر انقلاب و ارگانهای انقلابی، امه از کشوری و لشکری، تفرقه می‌اندازند، قاطعانه هشدار دادند و آنان را به احترام از اعمال خویش دعوت کردند.

مردم توطئه‌ها و کارشکنیهای لیبرالهای سازشکار را، که می‌کوشند انقلاب را به راه سازش با امپریالیسم امریکا بکشاند و

سال میلادی چگونه گذشت؟

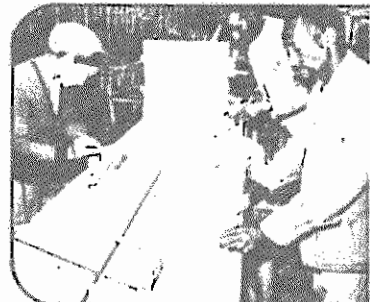
بویزه در مناطق اشغالی "کرانه‌خیزی" و نوار غزه علیه‌دسیسه "خودمختاری" انضمام و صادره زمین‌های آنها، ایجاد آبادیهای صهیونیستی و دیگر اقدامات خودسرانه اشغالگران، نقش بزرگی در مقابله با مقاصد شوم و سیادت‌طلبانه صهیونیست‌ها بازی کرد و وحدت خلق فلسطین را برهبری "سازمان آزادی‌بخش فلسطین" تحکیم

خشد. محافل حاکمه مصر، به هم کاری و هم‌بندی خود با امریالیسم و صهیونیسم ادامه دادند، وابستگی سیاسی و اقتصادی مصر را به امریالیسم گسترش و تعمیق خشدند، این کشور را به یکی از پایگاه‌های مهم توطئه‌های امریالیستی نواستعاری علیه خلق‌های عرب، آفریقا و آسیا، از جمله ایران، مبدل ساختند و بهره‌کشی سرمایه‌داری و سرکوب‌گری توده‌های

علیه جنبش آزادی‌بخش عرب، آست که با دستاوردهای اجتماعی- اقتصادی این جنبش به مقابله برآورد، در وحدت صفوف ضد- امریالیستی آن خلل وارد آورد، انقلاب فلسطین را درهم شکند و مردم فلسطین را از حقوق حقه آنها محروم سازد.

وخت بسابقه اوضاع خاور- میانه در سال گذشته میلادی، بر اثر دسیسه‌ها و تجاوزات گسترده امریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب، بخشی است گسست‌ناپذیر از سیاست جهانی امریالیسم، به سر-کردگی آمریکا، مبنی بر اخلال در روند تشریفاتی، تهدید صلح جهانی افزایش مسابقه تسلیحاتی و احیای سیاست "جنگ سرد" و در نتیجه- جلوگیری از امکان حل عادلانه و راستین بحران خاورمیانه.

در سال ۱۹۸۵، امریالیسم، بویزه امریالیسم ایالات متحده، صهیونیسم و ارتجاع عرب، از هیچ کوششی برای تحکیم ائتلاف سیاسی- نظامی خود در منطقه دریغ نوزیدند. امریالیسم و دستیاران آن در میان ارتجاعون عرب، به‌ششسانی



زحمتمکشان آتیوپیی در میهن آزاد خود، به کار خلق و سوادآموزی مشغولند



خلق زیمبابوه نیز، پس از یک‌مبارزه طولانی و خونین، از زیر یوغ امریالیسم آزاد شد.

دسیسه‌ها و مانورهای امریالیستی را برای بازداشتن پیشرفت اجتماعی و روبروایی با استقلال کشورهای آسیا، بازیابی سنگره‌های ازدست رفته و حفظ منافع حیالوگرانه در این قاره محکوم می‌کند.

انزجار خود را از ائتلاف میان امریالیسم و رهبری ارتجاعی چین اراز می‌دارند.

امریالیسم آمریکا و تکمیل سیاست تنش‌فزایی آنها ادامه دادند. نیروهای دمکراتیک و ترقی‌خواه جهان، در سال ۱۹۸۵ نیز یشتیبانی خود را از:

مقابله موفقیت‌آمیز مردم ویتنام در برابر تجاوزکاری رهبری ارتجاعی چین، مبارزات آنها برای حفظ حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی در قبال همه‌گونه تهدیدات امریالیستی و گسترش‌طلبانه و عزم راسخ خلق تهران ویتنام برای بازسازی میهن خود.

پیکار مردم لائوس برای دفاع از استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی کشور خود و بازسازی و نوسازی میهن خویش بر پایه‌های سوسیالیستی؛ عزم راسخ مردم افغانستان برای تحکیم "انقلاب ثور" پاسداری از دستاوردهای آن و دگرگونی‌های بنیادی جامعه؛

مبارزه بیگیر مردم کره برای خروج نیروهای ایالات متحده از کره جنوبی، کوشش‌های خستگی‌ناپذیر

سال میلادی، که گذشت، و رویدادهای بظاهر ناممکن‌ان، ادامه منطقی روند راه‌انداز انقلاب جهانی است، که سه‌نیروی عمده آن، کشورهای سوسیالیستی، جنبش انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه‌داری و جنبش رهایی‌بخش ملی است. در زیر به مهم‌ترین ایسن رویدادها نگاهی می‌افکنیم و در عین حال مسوایع نیروهای ضد امریالیسم، مترقی و دمکراتیک جهان را درباره آنها بررسی می‌کنیم.

(بازبینی رویدادهای ایران در آستانه سال ۱۳۶۰ هجری خورشیدی انجام خواهد گرفت):

آسیا و استرالیا

مردم ویتنام، پس از پیروزی سترگ خود بر امریالیسم ایالات متحده، علیرغم دسیسه‌های وسیع امریالیستی - ارتجاعی، مقاومت پیروز خود را در برابر تجاوزگری رهبری چین و بازسازی "جمهوری سوسیالیستی ویتنام" ادامه دادند.

مردم افغانستان، پس از پیروزی "انقلاب ثور"، به تحکیم دستاوردهای انقلاب در قبال توطئه‌های سترگ امریالیسم ایالات متحده، رهبری ارتجاعی چین و دیگر نیروهای مرتجع داخلی و منطقه، برداشتند.

مردم کامبوجیا، پس از سرنگونی رژیم خون‌آخام پل پوت-ینگ ساری و ایجاد "جمهوری خلق کامبوجیا"، به رهبری "جبهه رهایی

در آسیا و آفریقا، پیکار خلقها و دولتهای ضد امریالیست در راه استقلال و آزادی و ترقی گسترش می‌یابد



پسران یک دوران وحشت در رژیم جنایتکار پل پوت، خلق کامبوجیا زندگی را دوباره بازمی‌یابند

زحمتکس مصر را دامن زدند. از سوی دیگر، جنبش مخالفت با رژیم سادات نیز گسترش یافت، هدف این جنبش آنست که در راه دگرگونی‌های سیاسی، که با سخنگوی مافع اجتماعی، ملی و منطقه‌ای خلق مصر باشد، به مبارزه برآورد.

مردم "جمهوری دمکراتیک خلق یمین" حزب بیشاهگ خود، یعنی "حزب سوسیالیست یمین" را پایه گذاشتند. این حزب مردم این کشور را به سوی پیروزی‌های بیشتر در گستره اقتصادی - اجتماعی، به سوی جامعه‌ای بری از استعمار و مضع و دموکراتیک رهبری خواهد کرد.

رژیم ملی، مترقی و ضد- امریالیستی "جمهوری عربی سوریه" که از یشتیبانی همه‌نیروهای دموکراتیک مترقی و صلح جوی آن کشور بهره‌مند است، به اسنادگی راسخ خود علیه دسیسه‌های امریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب، بویزه تائی "کسب دیوید"، ادامه داد. این کشور موفق بقیه در صفحه ۶

کامل خود از سیاست اسرائیل ادامه دادند و گماکان به یاری نیروهای ارتجاعی، خرابکار و تروریست در کشورهای مترقی منطقه شتافتند. نیروهای تجزیه‌طلب لبنان، با همکاری، شرکت و یشتیبانی مستقیم امریالیسم آمریکا، همچنان برای تقسیم لبنان، عنوان نخستین گام در راه تحمیل سلطه فاشیستی خود بر سراسر لبنان کوشش ورزیدند. هدف آنها آنست که ضربه‌های سهمگین بر "جنبش ملی لبنان" و انقلاب فلسطین وارد آورند، سوریه را تضعیف کنند و قرارداد "کمپ دیوید" را به مورد اجراء بگذارند.

تحولات سال گذشته نشان داد که "جبهه پایداری و روبرویی همچنان پایه مستحکم برای تقویت بیشتر وحدت و مبارزه رژیم‌های ضد- امریالیست عرب است. "کنفرانس خلق‌های عرب" استکاری بود منت برای سیج توده‌های عرب علیه تحریکات امریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب. مبارزه جانبا زانه خلق فلسطین

خواهان آنند که امریالیست-ها از تشدید فعالیت‌های نظامی خود در اقیانوس هند، دریای عرب و منطقه خلیج فارس دست بردارند. گسترش پایگاه نظامی ایالات متحده را در دیگوگارسیا و دیگر نقاط اقیانوس هند، که صلح آسیا را به خطر می‌اندازد، مذموم می‌شمرند؛ سیاست "دو کره" ایالات متحده و ادامه مداخلات آن را در امور داخلی کره، از طریق استقرار نیروهای مسلح خود در کره جنوبی، سرکوبگری رژیم دست‌نشانده کره جنوبی، و هم‌بندی نظامی ایالات متحده، زاین و کره جنوبی را محکوم می‌کنند.

ختم خود را از تجاوزات چین علیه "جمهوری سوسیالیستی ویتنام" و تهدید حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی آن کشور ابراز می‌دارند؛ دسیسه‌های امریالیستی و ارتجاعی راعلیه افغانستان، کامبوجیا و لائوس محکوم می‌کنند.

همبستگی خود را با مبارزه مردم پاکستان علیه دیکتاتوری ضیاء الحق اعلام می‌دارند؛ یشتیبانی خود را از پیکار ضد دیکتاتوری و ضد امریالیستی مردم ترکیه علیه کودتاچیان وابسته به امریالیسم ایالات متحده و "ناتو" ابراز می‌کنند.

رویدادهای ۱۹۸۵ در منطقه خاورمیانه نشان داد که علت اساسی تعمیق تضادهای این منطقه حساس جهان، روبروایی مستقیم و حاد میان نیروهای مترقی، انقلابی، آزادی‌بخش و صلحدوست از یکسو، و امریالیسم، استعمار، نواستعمار، صهیونیسم و ارتجاع از سوی دیگر است. هدف دسیسه‌ها و تهاجمات امریالیسم جهانی - بویزه امریالیسم ایالات متحده، صهیونیسم و ارتجاع عرب

"جمهوری دمکراتیک خلق کره" در راه وحدت صلح‌جویانه و استقلال طلبانه کشور و نبرد مردم کره جنوبی علیه دیکتاتوری مرتجع رژیم دست‌نشانده و در راه دمکراسی، پیکار خلق زاین علیه "پیمان امنیت زاین - ایالات متحده" و در راه بهبود شرایط کار و زندگی زحمتکشان زاین.

مبارزات مردم پاکستان، تایلند، بنگلادش و اندونزی علیه سرکوب و برای استقرار آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک.

پیکار مردم هند برای پاسداری از استقلال ملی، وحدت و تمامیت کشور خود در قبال تهدیدات امریالیسم ایالات متحده، و رهبری ارتجاعی چین و دیکتاتوری مرتجع پاکستان، در زمینه تشویق عناصر تجزیه‌طلب و دامن زدن به تعصبات نژادی - عده‌ای؛ ابرازداشتند.

نیروهای دمکراتیک و مترقی جهان:



آزادی آمریکائی در کره جنوبی

کارگران کارخانه چیت تهران:

«برادران مادر جبهه می جنگند، مادر کارخانه»

کارخانه چیت تهران با ۲۰۰۰ کارگر که کمتر از ۱۰۰۰ نفر آن را زنان تشکیل می دهند از جمله کارخانه های بافندگی تهران است که زیر نظر وزارت صنایع اداره می شود. علاوه بر هیئت مدیره، شورای اسلامی کارگران (۱۳ نفر عضو) (کارگر و کارمند) بر تولید و اداره کارخانه نظارت دارد و جهت هماهنگی فعالیتها ۲ نفر از شورای مدیریت نیز شرکت دارند.

یکی از نمایندگان شورا چگونگی تشکیل واقدامات شورا را بدین شرح بیان داشت: "شورای اسلامی این کارخانه بعد از پیروزی انقلاب و بدنبال انحلال کمیته موقت (با ۴۰ عضو) تشکیل شده است و تاکنون به مسائلی از قبیل تصفیه عناصرتا بپارک و کارشکنی رفع کسری بودجه کارخانه برقراری مدیریت صحیح و تهیه مواد اولیه و ماشین آلات رسیدگی کرده است."

این کارخانه در حال حاضر تا ۸۵٪ وسایل ویدکی را در داخل ایران تامین می کند، و در این زمینه از ابتکارات کارگران نیز استفاده کرده است. مواد اولیه و از جمله رنگ مسورد لزوم نیز بخشی از موجودی انبارها است و قسمتی از آن از آلمان دموکراتیک تامین می شود. تولید کارخانه در ماه ۵۷ هزار متر پارچه است.

با تشدید توطئه چینی های امپریالیسم آمریکا و آغاز درگیری با عراق، کارگران کارخانه چیت تهران، همانند دیگر کارگران، در صدد تولید هرچه بیشتر و بی ابرو شدن آن نسبت به میزان قبلی برآمدند و بدون وقفه در سه شیفت کار، مشغولند.

رئیس شورای اسلامی در این باره گفت: "روحه کارگران بسیار عالیست و دائم به شور و مراجعه می کنند و درخواست آموزش نظامی و اعزام به جبهه را می کنند. تاکنون ۴۶ نفر از منقضی خدمت ها از این کارخانه به جبهه رفته اند و تعدادی نیز در پادگان مشهد در حال گذراندن دوره هستند، تا پس از آن به جبهه اعزام شوند، بقیه برادران هم با علاقه بسیار در کارخانه، ضمن رعایت مقررات جنگ، سعی در افزایش تولید دارند."

او افزود که: "فعلات مبلغ ۲۳۸ هزار تومان، یعنی یک روز حقوق را به مناطق جنگ زده فرستاده ایم و با تأیید برادران کارگر قرار شده است تا از این پس هر ماه یک روز حقوق را به این منظور اختصاص دهیم. برای ما کارگران، محل کار فرقی نمی کند، در هر لحظه و در هر مکان، بفرمان امام آماده فداکاری هستیم."

رئیس شورای اسلامی مشکلات موجود در زمینه تولید را در دو حله اول از ضعف مدیریت دانسته و گفت: "این کارخانه ضعفها را در مدیریت دارد و شورا در صدد رسیدگی به این مسئله و حل و فصل آن با وزارت صنایع است. بعنوان نمونه، سال گذشته با پیشنهاد شورا برای خریدن ماشین دنده از ماشین سازی تبریز مخالفت شد و در نتیجه امسال کارخانه با هزینه ای دو برابر سال قبل

همان ماشینها را خریداری کرد. اینها همه ناشی از ضعف مدیریت است و ما این مسائل را با دکتر صدر در میان گذارده ایم. مسئله دیگر کمبود پنبه است. پنبه مورد نیاز این کارخانه ۳۰۰۰ تن در سال است که از شهرهای نواح شمال کشور تامین میشود است، لکن امسال محصول پنبه از ۱۴۰۰۰۰ تن به ۴۰۰۰۰ تن رسیده است. از این رو ما توانسته ایم فقط ۱۵۰۰ تن از این پنبه را تهیه کنیم. در این زمینه نیز از مسئولان انتظار داریم که به مسئله رسیدگی کنند، تا ما بتوانیم تولید را به سطح گذشته و حتی بیشتر از آن برسانیم. علی نظری مکانیک قسمت بافنده در این زمینه گفت: "مادر اثر نداشتن مدیریت صحیح با مشکلات فراوانی روبرو هستیم. ما به کسی احتیاج داریم که به دردمان برسد و نارسائی های کارخانه را در وهله اول برطرف کند و سپس به مشکلات ما کارگران رسیدگی کند. از این گذشته ما انتظار داریم تا شورا هر چه بیشتر در اداره کارخانه شرکت دهند، زیرا شورا از میان کارگران برخاسته است و میتواند با قطعیت و از جان و دل مسائل و مشکلات را برطرف کند. در شرایط کنونی، ما سر تولید نیاز به برخورد قاطعانه و مسئولانه داریم..."

علی نظری سپس اضافه کرد که: "بخاطر پیروزی در جنگ در حفظ انقلاب اسلامی با وجود مشکلاتی که داریم، از جان و دل ما به میگذاریم و تلاش می کنیم که تولید را بسازیم. ما نیز مانند برادران مان، که در جبهه برای پیروزی می جنگند، در کارخانه می جنگیم و سعی می کنیم، تا نقش هر چه بیشتری در پیروزی انقلاب داشته باشیم."

بطور خلاصه مشکلات و کمبودهای کارگران کارخانه چیت تهران را میتوان در موارد زیر ذکر کرد:

- ۱- نقص در مدیریت، تبعیض میان کارگران و کارمندان کارکنان.
- الف- کارمندان یکماهه و کارگران ۱۲ روز حق مرخصی دارند.
- ب- کارمندان با ۲۰ سال سابقه، کار از حق درخواست باز نشتیگری برخوردارند، در حالیکه کارگرانی با ۲۸ سال سابقه، کار، هنوز در کارخانه کار می کنند.
- ج- تنها مدت سربازی کارمندان جزء سابقه کار به حساب می آید.
- ۳- نارسا بودن حقوق ها که هنوز در چارچوب طرح طبقه بندی قبلی پرداخت می شود، ندادن وقت ناهار به کارگرانی که در شیفت اول کار می کنند.
- ۴- ندادن وقت ناهار به زنان و عدم تسهیلات برای زنان باردار در حین کار.
- ۵- نداشتن وسایل ایمنی و یا کمبود آن، از قبیل ماسک و سمک.
- ۶- نامنظم و ناکافی بودن تهویه های کارخانه.
- ۷- مسائل مختلف در ارتباط با مواد اولیه (پنبه رنگ، قطعات یدکی و...)، نادرست بودن برخی مواد از قانون کار و اعتراض کارگران به بعضی تصمیم گیریها.

کارگاه های موزائیک سازی در سطح شهر تهران پراکنده اند. در این کارگاه ها معمولاً تعداد ۱۵-۲۵ کارگر مشغول به کار هستند. که در بین آن ها کودکان خردسال ۱۷-۱۲ ساله نیز بسیار دیده میشود. در این کارگاه ها، بجز موارد انگشت شماری، از اجرای قانون کار مطلقاً خبری نیست. ساعت کار طولانیست و کارگران مجبورند روزهای تعطیل رسمی و جمعه ها (جمعه معمولاً تا نیمروز) نیز در این کارگاه ها تحت شرایط سخت کار کنند. دشوار بودن شرایط کار و کمی دستمزد موجب شده است که کارگران بطور دائم در این رشته بکار نپردازند و تعداد کارگران فصلی در این کارگاه ها زیاد باشد. در جاده ساوه بسراغ کارگاه موزائیک سازی برادران می رویم. این کارگاه در کنایه قرار دارد و با دروازه های آزاد ساخته شده است، زیرا فقط دارای سقف است. کارگاه در مقابل یاد دوسرما هیچگونه محافظتی ندارد. ۱۲ کارگر در آن مشغول بکارند. با چندتن از کارگران گفتگویی داریم. جلیل زلفی کارگر ۳۰ ساله، با دستگاہ سنگ دستی سطح پله های ساخته شده را صیقل می زند و آن ها را با آب خیس می کند و با اینکه چکمه های بلند و روپوش پلاستیکی پوشیده است، معذباً خیس شده و از سرما می لرزد. می گوید: "کارگر حلی می ساز بودم، کارم را از دست دادم و الان ۳ ماه است که در اینجا کار می کنم." درباره اجرای قانون کار و روزمزا و بیمه کارگران از وی سوال می کنیم. پاسخ می دهد: "در اینجا از قانون کار خبری نیست. هر روز ساعت ۷ صبح تا ۵ بعد از ظهر کار می کنیم. فقط جمعه ها ساعت ۱۲ تعطیل می شویم. روز تعطیل برای کارگران وجود ندارد. شرایط کار بسیار سخت است. روزی ۱۰۰ تومان حقوق می گیرم. یک کارگر اگر دو سال اینستا کار کند، نیرویش تحلیل می رود و مجبور است تا آخر عمر خانه نشین شود."

یکی از کارگران، که تازه در این کارگاه مشغول بکار شده است، می گوید: "مدت ۴ سال است که در این رشته کار می کنم. آخرین بار کارگاه به علت کمبود سیمان و سایر مصالح تعطیل شد و همه کارگران بیکار شدند." می پرسیم: فکری کنی از دست دولت چه کاری برای کارگران موزائیک سازی ساخته است؟ فوراً پاسخ می دهد: "دولت باید کار خوب بماند. شرایط کار را برای کارگران موزائیک سازی آسان کند و خلاصه کلام، قانون کار را تمام و کمال در این کارگاه ها اجرا کند، تا ما کارگران بتوانیم چرخ مملکت را بکار اندازیم." روی دستگاہ شستشو سطح موزائیک ها، احصا ۱۵ ساله، و بهرام علی، ۱۶ ساله کار می کنند. از میزان دستمزد

کارخانه شیشه سازی میرال در جاده ساوه قرار دارد. این کارخانه خصوصی است. در این کارخانه انواع شیشه های معمولی با قطره های مختلف، شیشه های اتومبیل و شیشه ضد گلوله ساخته می شود. کارخانجات ایران ناسیونال بنز خاور و چند کارخانه اطاق سازی اتومبیل، شیشه های مصرفی خود را از این کارخانه تامین می کنند. پس از انقلاب، با وجود اختلال در وارد شدن پارامتر از مواد از خارج (مانند تلوک) برای شیشه های اتومبیل بکار می رود) کاهش چندان در تولید کارخانه وجود نیامد، زیرا این مواد اکثر ادوات برای داخلی وجود داشته. کارخانه دارای سه شیفت است (اکنون بواسطه خاموشی، کارگران در ۲ شیفت کار می کنند.) و جمعاً دارای ۸۵۰ نفر پرسنل است. با چند کارگر بخش ساختمانی این کارخانه گفتگو نشستیم و نظرشان را درباره شرایط کار و اوضاع فعلی مملکت جويا شدیم. همگی از پائین بودن سطح دستمزد گل داشتند. علی آقامی گوید: "۹ سال است که در اینجا کار می کنم. قبلاً در ملایر کشاورز بودم دستمزد بسیار کم بود (حق اولاد، مسکن، خوار و بار) ۲۷۰۰ تومان می شود." خلیل کارگر جوان ۴۰ ساله در این کارخانه بطور روزمزد کار کرده و دو سال است که به طور پیمانی کار می کند و جمعاً ۲۵۰۰ تومان حقوق می گیرد. می گوید: "ما کارگران قسمت ساختمانی در یک شیفت کار می کنیم و شرایط کارمان هم سخت است. زمستان و تابستان، هر

کارگران موزائیک سازی:

«جهد کارگران همان کار و کوشش است»



مزدشان می پرسیم. می گویند که بتازگی در اینجا مشغول بکار شده اند و هنوز از میزان دستمزدشان اطلاعی ندارند. نظر کارگران را درباره جنگ تحمیلی رژیم صدام بر میهن ما می پرسیم. قربانعلی عابدینی، کارگر ۲۵ ساله می گوید: "باید جنگ را تا سقوط صدام ادامه دهیم و اگر لازم باشد، با آمریکا هم بجنگیم چون آمریکا از عراق حمایت می کند و اگر آمریکا نباشد، عراق هیچی نیست." جلیل زلفی درباره وظیفه کارگران در این جنگ می گوید: "همه مردم، بخصوص کارگران، باید جهاد کنند. جهاد کارگران همان کار و کوشش است، اگر کم کاری کنیم تولید را بخوابانیم و در جنگ شکست بخوریم، باید دستمان را بطرف آمریکا دراز نکنیم." بر مسئولان و مقامات جمهوری اسلامی ایران است که قانون کار را در کارگاه های موزائیک سازی اجرا کنند. به وضع بهداشتی این کارگاه ها رسیدگی کنند، از کار کودکان جلوگیری کنند و کارگران زحمتکش این رشته را از شرایط طاقت فرسای کار نجات دهند.

حقوق یکروز خود را، که بالغ بر ۷۵ هزار تومان می شود، بعنوان کمک برای جنگ پرداخت کنند. درباره جنگ رژیم صدام علیه ایران پرسیدیم. محمود رضا کارگر ۶۰ ساله، که ۳۵ سال کارگری کرده است، می گوید: "جنگ با عراق، جنگ با آمریکا است. من قدرت اسلحه برداشتن و جنگ کردن را ندارم. این کار جوانترهاست، ولی می توانم برای ساختن مناطق جنگ زده و خراب شده کارگری بکنم. انشاء الله دولت اعلام بسیج می کند و ما کارگران برای نوسازی مناطق جنگ زده به آنجا می رویم." علی آقامی درباره نقش آمریکا در این جنگ می گوید: "آمریکا دولت مسلمان ایران و عراق را بجان هم انداخته است و نفخش را خودش می برد." علی آقامی در این مورد مثالی می زند و می گوید: "مثل این می ماند که من خلیل و محمود رضا را با هم دعوا بیاورم و خودم کناری بایستم و منتظر بمانم که بیایند از من اسلحه بخرند تا همدیگر را بیشتر ت و بیاورند." علی آقامی گوید: "دو پسر ما را فرستادیم آموزش نظامی دیدند، ولی چون محصل بودند، به جبهه اعزام نشدند. ما ترسی از کمبود مواد غذایی و اینطور چیزها نداریم. حتی اگر نان خشک را خیس کنیم و بخوریم، زیر بار آمریکا نمی رویم. ما کارگران تا امام خمینی را داریم، غم نداریم."

کارگر کارخانه شیشه سازی میرال: جنگ با صدام، جنگ با امریکا است

جای کارخانه لازم باشد، باید برویم کار کنیم. یک کارگر بنامی گوید: "دوره طاغوت خون ما کارگران را می مکیند. بیکار گفتند می خواهیم بشما سهم بدهیم. کارگران هر چه پول داشتند به رئیس کارخانه دادند، تا در کارخانه صاحب سهم شوند. من خودم ۹ هزار تومان دارا میم را دادم. رئیس کارخانه پول ما را بالا کشید و در انقلاب به خارج فرار کرد. من با ۸ سال سابقه کار جمعاً ۳ هزار تومان حقوق می گیرم. اگر طرح طبقه بندی مشاغل اجرا شود وضع ما بهتر می شود. پیش از جنگ دنبال این کار بودیم ولی الان چون جنگ است و باید همه نیرویمان را صرف جنگ با عراق کنیم اینست که بی اینکار را نگرفته ایم." از آماجگی کارگران برای جنگ با دشمن متجاوز پرسیدیم. گفتند که از طرف سپاه به کارگران در محل کارخانه آموزش نظامی داده شده است و اخیراً ۲۵ نفر از کارگران برای اعزام به جبهه از کارخانه به مرکز اعزام رفتند. کارگران

به منظور تقویت جبهه و پشت جبهه انقلاب قانون اصلاحات ارضی را در کردستان اجرا کنید!

مردم زحمتکش کردستان پس از انقلاب گام در راه تحقق حقوق حقه خود گذاشتند. آنها از مسئولان متعهد و انقلابی، که در خطر رهبر انقلاب، امام خمینی هستند، می-طلبیدند که به نحو مالکیت‌های ظالمانه، که خواست اکثریت عظیم زحمتکشان کشورمان است، جامه عمل ببوشانند و حقوق ملی آنها را، که لگد کوب منافع غارتگرانه رژیم ضد مردمی پهلوی شده بود، تأمین کنند. آنان به مبارزات خود در راستای انقلاب ادامه دادند. لیکن نیروهای ضدانقلابی چون اویسی و پالیزیان و مزدوران رژیم بعثی عراق و گروهک‌ها و عناصر آمریکائی چون کومه‌ها و قاسملوها از یکسو و لیبرال‌ها از سوی دیگر، با انواع کارشکنی‌ها و کارهای محیلانه، ماهیت این مبارزه را مسخ کردند و جنگ داخلی را به این محرومان تحمیل نمودند. اما مردم زحمتکش کردستان به هیچ وجه خواهان این جنگ نبودند. لذا از هر کلایمی که رهبرانقلاب و نیروهای انقلابی به منظور تحقق خواست-هایشان بر زبان می‌آوردند، باجان و دل استقبال می‌کردند. این خود موجب می‌شود که در جریان تکامل انقلاب مردم زحمتکش کردستان به تدریج به ماهیت نیروهای ضدانقلاب پی ببرند و به‌طور آهسته اقدام کنند. ولی دشمن با تفرقه‌افکنی و تحریک، بادروغ پزدازی و شایعه سازی و

تحریف درصدد است که جنگ و درگیری و آشوب در کردستان ایجاد کند. برای تقویت جبهه و پشت جبهه انقلاب و نقش برآب کردن تمام توطئه‌های شیطان بزرگ-آمریکالازم است که زمینه‌های لازم برای اجرای قانون اصلاحات ارضی در این منطقه هرچه زودتر فراهم گردد و این قانون به فوریت به اجرا درآید. این یکی از زمینه‌های رفع تردیدها و نارضایتی-ها و محور بهانه‌تراشی‌ها و تحریکها خواهد بود. دهقانان زحمتکش در این جهت آگاهانه عمل می‌کنند. شرح مبارزات دهقانان تبه‌دست سه روستای پانه کردستان، جهت مبارزات آنها را به خوبی نشان می‌دهد:

روستای کانی سیب یکی از روستا-های دهستان دشت‌تال واقع در بخش زروار است. بخش زروار خود یکی از بخش‌های شهرستان پانه کردستان است. این روستا ۱۲۶ نفر را دربرمی‌گیرد. دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین روستا طی اعتراضاتی که به دفعات صورت گرفته و همچنین تنظیم شکایت‌نامه-های دستجمعی، خواست‌های خود را مطرح کرده‌اند. خواست اصلی این روستائیان اجرای قانون اصلاحات ارضی و قطع دست زمینداران بزرگ و آبادی آنان است، که مایه و پایه تمام محرومیت‌ها و فلاکت‌ها و محرک جنگ بوده‌اند. این زمینداران در

دهقانان زحمتکش! اجازه ندهید که عناصر ضدانقلابی وطاغوتی بنام نماینده شما عمل کنند

دربی شکایت‌هایی که از جانب اهالی روستای سفتجان از توابع داران، در مورد یکی از نمایندگان این روستا در هیئت هفت نفری واگذاری زمین، به هیئت ۷ نفری داران شده بود، گروه تحقیق این هیئت به محل آمد. گروه پس از تحقیق در مورد شخص مذکور و بررسی اسناد مربوطه، مشخص کرد که این فرد، برطبق اظهارات اهالی و صفحات یکی از مجلات وابسته به "حزب رستاخیز"، که عکس و نام او نیز در آن درج گردیده بود، "رستاخیزی" و همچنین دارای زمین‌های قابل توجهی است. این دو ویژگی از نظر قانون برای غیرقانونی بودن این نماینده کافی بود. به همین لحاظ به وی ابلاغ گردید که باید استعفا نامه خویش را به هیئت تحویل دهد. پس از ابلاغ این موضوع به "نماینده" مذکور، وی از روستا متواری شد. روستائیان معتقدند که وی از ترس و قبل از این که استعفا نامه‌ای بنویسد، از آنجا گریخته است. فعالیت خود دهقانان، جمع‌آوری امضاء و اسناد و مراجعه به مقامات داران و فریدن اصفهان، در این آشکاری سهم عمده را داشت. حادثه روستای سفتجان استثنائی است و اکثریت مطلق اعضای هیئت‌ها انقلابیون فداکار و مورد علاقه و اطمینان دهقانان هستند. ولی همین حادثه می‌تواند و باید تجربه و درس خوبی برای تمام دهقانان زحمتکش و تبه‌دست باشد. دهقانان باید در خصوص نمایندگانی که به نام آنها در هیئت هفت نفری شرکت می‌کنند، با دقت تحقیق کنند، زیرا اگر افراد منتخب آنان در هیئت‌های هفت نفری، اشخاصی صادق و مؤمن به انقلاب نباشند، مسلماً در راه اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی به سود تبه‌دستان روستا کارشکنی و سنگ اندازی خواهند کرد. دهقانان باید هشیار باشند و به هیچ وجه به عناصر ضدانقلابی اجازه رخنه در صفوف متحد و یکپارچه خود را ندهند. هیئت‌های ۷ نفری در واقع مرکب اند از ۵ نفر اعضای وزارتخانه‌ها و نهادهای انقلابی، که در هر منطقه ثابت است، و دوتن دیگر در هر ده توسط خود اهالی برگزیده می‌شوند و، به تصریح قانون، باید نماینده دهقانان کم زمین و بی‌زمین باشند. پس اهالی هر ده در تعیین دو نفر از هفت نفر مسئولیت مستقیم دارند. دهقانان زحمتکش! متوجه باشید! حالا که اربابان به هیئت‌ها فشار می‌آورند و می‌خواهند آنها را منحل کنند یا غیرفعال کنند، شما باید از آنها با تمام قوا حمایت کنید و فعالیت آنها را تشویق نمایید. انتخاب درست دوتن از دهقانان، که مورد اعتماد خود شما باشند و با آنها آشنا باشند، دفاع از پاک و اصالت این هیئت‌ها و وثیقه سلامت و قدرت آنهاست. ثمره این انتخاب درست هم به خود شما می‌رسد.

دهقانان کم زمین و بی زمین!

باتشکیل کمیته‌های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سر بیاورد و سود شما اجرا شود

گزارشی از سه روستای منطقه (بن رود) دشت ارژن

را که شبانه با اسلحه به روستاها حمله می‌کنند و احشام را می‌دزدند و ناامنی ایجاد می‌کنند، به جای خود بنشانند. کمک‌های مالی و جنسی-نان، آرد، سیب و... و دا و طلب- شدن بسیاری از اهالی برای جنگ با تجا و زگران صدامی، جواب دندان شکنی بود به عوام صل فدا انقلاب، که سعی دارند با سوء استفاده از نارسایی‌های موجود در منطقه، علیه جمهوری اسلامی ایران تبلیغ کنند.

متاسفانه نه تنها هیئت هفت نفری هنوز به محل نیامده؛ بلکه شورای ده هم برای حل مشکلات روستا قیام تشکیل نشده است. عدم اتحاد روستائیان و ترس از انتقام مالکین باعث شده که زمین‌ها تقسیم نشده باقی بمانند. در این شرایط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با یستی با فرستادن افرادی به منطقه، نه تنها جلو مالکین زورگو را بگیرد، بلکه عواملی

شده تقریباً به تمام اهالی زمین برسد. اما در حال حاضر جوان‌ها، که زمینی برای کشت ندارند و تعدادی از روستائیان، مجبورند روی زمین دیگران هم کار کنند، و این در حالی است که تمام زمین‌های طرف راست رودخانه متعلق به یک خانواده مالک است. وسعت زمین‌های این مالک به قدری است که سه روستائیان از میزان آن اطلاع ندارند، ولی مطمئناً بیش از ۵۰۰ هکتار است.

در منطقه بن رود، سرچشمه رودخانه قره آغاج، در ۸۵ کیلومتری شیراز سه روستای مختار آباد، ده بیستون و تل کره، در فاصله‌ای کمتر از ۲ کیلومتر از یکدیگر قرار گرفته‌اند. عوامل متعددی زندگی اهالی این سه روستا را، که به لهجه لری صحبت می‌کنند، در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر قرار داده است. نیمی از اهالی در فصل زمستان به روستایی در گرمسیر کوچ می‌کنند. این سه روستا به ترتیب ۱۳۰، ۱۶۰، ۲۰۰ نفر جمعیت دارند. مبارزه دهقانان در زمان رژیم طاغوت و تحصن اهالی در سال ۴۲ در اداره کشتا و رزی، باعث

کمیبود وسایل ابتدایی، زندگی طاقت فرسای ناشی از شرایط سخت طبیعی را مشکل تر می‌سازد. نه تنها از ابتدایی ترین وسایل، از قبیل حمام، برق، پزشک و دارو در این روستا هیچ خبری نیست، بلکه قطع ارتباط این روستاها در ماه از سال، به علت بالا آمدن آب رودخانه و برف زیاد و بدی جاده، و روستائیان را از امکان‌های که شهرداران اختیارشان می‌گذارد نیز محروم می‌سازد. تمام این اشکالات باعث می‌شود که نیمی از اهالی، فصل زمستان را به روستایی در منطقه "تنگ شیب"، در ۱۳۰ کیلومتری شیراز کوچ کنند. ساختن پل بر روی رودخانه قره آغاج و مرمت جاده دشمن‌زیاری می‌تواند بسیاری از مشکلات را حل کند. در فصل زمستان عبور از قره آغاج حتی با تراکتور هم ممکن نیست.

روستائیان مجبورند محصول سیب خود را، که در شیراز کیلویی ۸۰ ریال به فروش می‌رسد، با قیمت نازل ۳۵ ریال به واسطه‌ها بفروشند و این در صورتی است که برای آن مشتری گیربیاید. وظیفه دولت است که با وجود آوردن شرکت‌های تعاونی خرید و توزیع، دست واسطه‌ها را از زندگی روستائیان کوتاه کند و محصولات آنها را با قیمت کار عمده زان، قالی- بافی است که از صبح زود تا غروب آفتاب انجام می‌شود. نهادهای انقلابی، از جمله سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و هیئت هفت نفری، با یستی توجه بیشتری به مشکلات روستائیان این منطقه و حل سریع تر آنها داشته باشند، تا دست خدا انقلاب را در تبلیغ علیه جمهوری اسلامی کوتاه سازند.

فعالیت شورای ده در پیر آباد و لزوم همکاری مسئولان امور

زمین (هر خیش معادل زمینی است که گنجایش کشت ۵ تا ۶ من گندم را داشته باشد. در اینجا هر من معادل ۷۲ کیلو است) که معمولاً می‌بایست ۴ تا ۵ من برنج می‌کاشتند، فقط ۵ تا ۶ کیلو برنج کاشته‌اند و برداشت آنها از هر خیش فقط ۲۰۰ تا ۲۲۰ کیلو برنج است. آنها همچنین در هر خیش زمین ۲ تا ۴ کیلو ماش کاشتند، که برداشت آنها از هر خیش فقط ۱۰۰ کیلو بوده است. از آنجا که نرخ برنج پوست (آسیاب نشده) در بازار آزاد ۸۰ ریال و ماش ۷۵ ریال است، در نتیجه روستائیان حاصل زحمت خود را نمی‌برند.

بر مسئولین امر است که هرچه زودتر در مورد تأمین آب این منطقه اقدامات لازم را معمول دارند و به این ترتیب به رشد تولید کشاورزی کشور کمک کنند. شورای ده نیز باید از حمایت همه جانبه مسئولین امور و راه همکاری فعال خود دهقانان برخوردار شود تا بتواند وظایف مهم انقلابی خویش را به انجام برساند.

راهنمایی روستا، این کار به راهنمایی دبیران و خودیاری اهالی انجام شده است. حدود ۳۰ خانواده از آوارگان جنگی به این روستا آمده‌اند، که شورا تهیه ارزاق آنها را برعهده گرفته است.

به دنبال جنگ تحمیلی رژیم صدام بر ایران، روستائیان پیرآباد نیز برای دیدن دوره آموزش نظامی به پاسگاه ژاندارمری پیرآباد مراجعه کردند و در اول آبان ماه ۱۷ نفر از جوانان این روستا به جبهه جنگ اعزام شدند. یکی از اعزام شدگان که در این راه پیشقدم شد، به تازگی تحت عمل جراحی قرار گرفته بود.

روستای پیرآباد با کم‌آبی روبروست و اختلافاتی که در مورد آب بین این روستا و روستای مشهد وجود داشته، هنوز به قوت خود باقیست. آب دره "تنگ بن" هم خشک شده است. با وجود کم‌آبی، دهقانان پیرآباد مبادرت به کشت برنج و ماش کردند، ولی میزان محصول دل‌خواه نیست.

دهقانان در این مورد می‌گویند که در هر خیش

روستای پیرآباد در بخش نشان شهرستان بهبهان واقع است. فاصله این روستا از شهر حدود ۳۰ کیلومتر است، که حدود ۲۰ کیلومتر آن آسفالت و بقیه شن‌ریزی شده است. جمعیت پیرآباد حدود ۶۰۰ نفر است.

شورای ده پیرآباد، که مرکب از ۵ نفر به‌اسامی راه‌خدا شجاعی، نورمحمد شجاعی، رضا شجاعی، علی بازمسکی و علی محمد کمالی است، از اوایل مهرماه سال جاری به کمک سپاه پاسداران بهبهان تشکیل شده است. سه نفر از اعضای منتخب شورا بی‌زمین و دوتن دیگر کم زمین هستند. این شورا چون از حمایت خود دهقانان برخوردار بود، چون با نهادهای انقلابی همکاری کرد و چون برنامه‌های برای فعالیت خودش تهیه کرد، از زمان تشکیل تا کنون توانسته است زمینه اتحاد دهقانان را فراهم کند و فعالیت‌های زیر را به انجام برساند:

۱- تهیه اجناس کمیاب از کمیته ارزاق بهبهان و توزیع عادلانه آن بین خانواده‌های روستایی،

۲- ایجاد آزمایشگاه و کارگاه در مدرسه

دهقانان چشم برآهند: هیئت‌های ۷ نفری باید هر چه زودتر وقایع تر کار واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین را به انجام برسانند

در آسیا و آفریقا، پیکار خلقها و ...

بقیه از صفحه ۲

شد که به خرابکاری و تروریسم "اخوان المسلمین" پایان دهد و به دستاوردهای مترقی و دگرگونی‌های بنیادی بیشتری نائل گردد.

رژیم دارودسته صدام حسین هرچه بیشتر در راه گسترش سلطه و اختناق آمیز خود بر مردم عراق و نابودی حقوق و آزادی‌های دموکراتیک آنها گام برداشت. این رژیم بر وابستگی‌های خود به امپریالیسم جهانی و ارتجاع عرب افزود و جنگ آمریکا فرموده و سراندازانه کثونی را علیه انقلاب ما و جمهوری اسلامی ایران بر ما تحمیل کرد.

مبارزه مردم لیبی در راه تعمیق دستاوردهای انقلاب و علیه دسیسه‌های امپریالیستی و ارتجاعی و تهدید تجاوز توان گرفت.

رویدادهای ۱۹۸۰ در خاورمیانه نشان داد که:

توطئه امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، و صهیونیسم و ارتجاع عرب برای جلوگیری از حل عادلانه مسئله فلسطین و حقوق فلسطینی‌ها انگیزه اساسی بحران خاورمیانه است.

قراردادهای "کمپ دیوید" دسیسه‌ایست، نه تنها علیه منافع راستین و سرنوشت خلق‌های عرب و فلسطین، بلکه همچنین علیه همه خلق‌های منطقه، جنبش‌های آزادی‌بخش آنها و نیروهای دموکراتیک و ترقی خواه.

مانورها و تاکتیک‌های ارتجاع عرب، که هدف آنها مقابله با وحدت راستین و ضدامپریالیستی اعراب است، بخشی گسست‌ناپذیر از استراتژی جهانی امپریالیسم، استعمار، فاشیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب را تشکیل می‌دهد.

وحدت صفوف جنبش آزادی‌بخش عرب در یک یک کشورهای عربی و در مجموع خود و توسعه مبارزه متحد اعراب بر پایه برنامه مشترک عاملی است بنیادی برای پیش برد خواست‌های آنها و بمنظور شکست توطئه‌های امپریالیستی در منطقه.

تحمیل مناسب جنبش آزادی‌بخش عرب و نیروها و سازمان‌های توده‌ای مترقی و دموکراتیک آن با دیگر نیروهای همانند در سطح منطقه و جهان برای سیخ افکار عمومی به هواداری از مبارزه مردم عرب علیه دسیسه "کمپ دیوید" و در راه آزادی ملی و اجتماعی، دموکراسی و صلح اهمیت بنیادی دارد.

شرکت خلق فلسطین - از طریق تنها نماینده قانونی آن، "سازمان آزادی‌بخش فلسطین" - در گوشش برای حل بحران خاورمیانه شرط اساسی دسیسه‌ای به این هدف است.

نیروهای دموکراتیک و مترقی جهان، در سال ۱۹۸۰ نیز پشتیبانی خود را از:

پیکار خلق‌های عرب علیه دسیسه‌های امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب، بویژه قراردادهای "کمپ دیوید" و علیه رژیم‌های

ارتجاعی و استبدادی منطقه و سیاست سرکوب، پیگرد، شکنجه، توقیف و منع سازمان‌های توده‌ای دموکراتیک و احزاب سیاسی مترقی؛ مبارزه قهرمانانه مردم فلسطین علیه توطئه "خودمختاری"، سیاست صهیونیستی گسترش طلبی، مصادره، انضمام و اخراج حملات و تجاوزات اسرائیل و همکاری فلالانزیستی- صهیونیستی، به منظور نابودی انقلاب فلسطین.

ایستادگی راسخ و دلیرانه مردم سوریه، به رهبری رژیم ملی و مترقی آن کشور، و مبارزات عادلانه آنها علیه دسیسه‌های امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب و توطئه‌های ارتجاعیون بومی وابسته به امپریالیسم و در راه نگهداشت و تعمیق دستاوردهای مترقی سوریه،

بخش عرب، تفرقه افکنی در صفوف آن و مبارزه با دستاوردهای مترقی این جنبش. باید یادآور شد که عربستان سعودی هم منابع مالی خود را برای پیشبرد این هدف به کار انداخته است.

ادامه اشغال سرزمین‌های عرب را از سوی اسرائیل و سیاست انضمام و ایجاد آبادی‌های جدید صهیونیستی را مردود می‌شمرند.

کمک مالی، سیاسی، اقتصادی و نظامی امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم ایالات متحده، را به اسرائیل، که رژیم این کشور را به ادامه اشغال سرزمین‌های عرب و گسترش تجاوز علیه خلق‌های عرب تشویق می‌کند، محکوم می‌نماید.

انزجار خود را از همکاری اقتصادی، سیاسی و اتنی اسرائیل با



در جمهوری دموکراتیک خلق یمن، جامعه نوین پایه‌گذاری می‌شود.

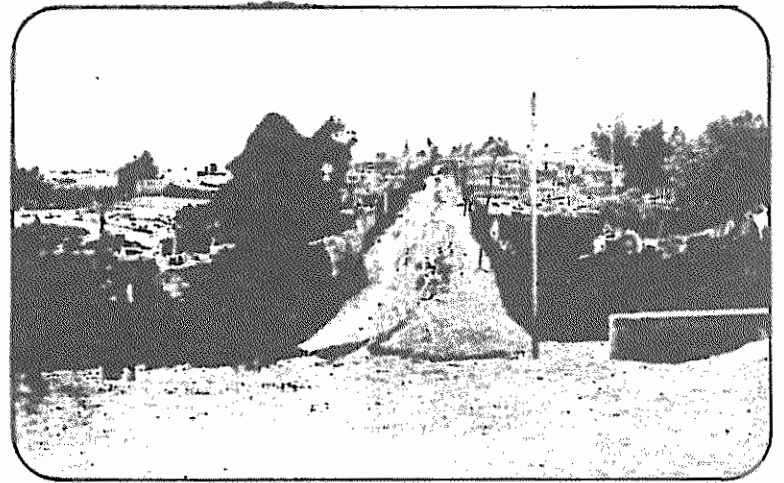
نبرد "جنبش ملی لبنان" و نیروهای انقلاب فلسطین علیه نقشه امپریالیستی - صهیونیستی - فلالانزیستی تقسیم لبنان و مقاومت در برابر تجاوز.

پیکار مردم مصر علیه رژیم ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم سادات و قراردادهای "کمپ دیوید" و برای استقرار رژیم ملی و دموکراتیک به منظور دفاع از منافع ملی مردم مصر.

مبارزه خستگی‌ناپذیر مردم "جمهوری دموکراتیک خلق یمن" برای گسترش دستاوردهای مترقی اجتماعی - اقتصادی‌شان و وحدت دموکراتیک میهن خویش.

کمک برادرانه و بلاشرط سیاسی اقتصادی، نظامی، فرهنگی و فنی کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی، به خلق‌های عرب، برای یاری آنها در مقابله با توطئه‌های امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب، رهبری سرزمین‌های اشغالی، غلبه بر دشواری‌های اقتصادی و تامین پیشرفت، ابراز داشتند.

نیروهای دموکراتیک و مترقی جهان: همکاری و همدستی ارتجاع عرب، بویژه عربستان سعودی، را با امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم ایالات متحده محکوم می‌کنند. هدف این اختلاف عبارتست از ایجاد محورها و جنبش‌های سیاسی- نظامی- ارتجاعی، مقابله با جنبش آزادی‌



یرائر توطئه مشترک امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع عرب خلق ستم‌دیده فلسطین هنوز از داشتن میهن مستقل و آزاد محروم است و در شرایط غیرانسانی بسر می‌برد.

در مطبوعات کشور

حجت‌الاسلام محمد مجتهد شبستری: سرمایه‌داران وابسته از عوامل داخلی امپریالیسم اند

حجت‌الاسلام محمد مجتهد شبستری، در پاسخ به سؤال روزنامه کیهان درباره پایگاه‌های داخلی امپریالیسم گفت:

دیده عقیده من عوامل امپریالیسم در داخل گروه‌های مختلفی هستند که عامل امپریالیسم بودن نه به این معنی که میان این گروه‌ها و امپریالیسم یک تئوری وجود دارد، بلکه منظور این است که این گروه‌ها به شکلی دوام و نفوذ امپریالیسم را در ایران فراهم میکنند، گرچه خود ندانند.

یک دسته سرمایه‌داران وابسته هستند و منظور سرمایه‌دارانی است که سود آنها از راه صنایع وابسته به امپریالیسم تامین میشود. این‌ها همیشه کوشش دارند این صنایع‌های وابسته پابرجا بماند و پابرجا ماندن این صنایع وابسته، یعنی دوام و نفوذ امپریالیسم.

گروه دوم غرب‌زده‌های پند زنده‌گی مصرفی هستند که میخواهند همان کالاهای موجود در غرب را مصرف کنند و از این قبیل مصرف‌ها نمی‌توانند دل بکنند و بر آن سخت‌عادت کرده‌اند.

این‌ها چه بخواهند و چه نخواهند نفوذ امپریالیسم را ادامه میبخشند، برخلاف آنچه که در ذهن‌ها هست، این غرب‌زدگان بنده مصرف‌لازم نیست که حتما غیرمسلمان و یا غیر معتقد به اسلام باشند. بسیاری از مسلمان‌ها هم هستند که به زندگی‌های تشریفاتی عادت کرده‌اند و در مصرف کالای غربی و حتی تمبیه این کالاهای در سفرهایشان به غرب همین راه را می‌روند. و خلاصه باید بگویم تمام آنهایی که به زندگی تشریفاتی مصرفی «خوش» دارند یا «خوش» کرده‌اند در این دسته جایگیرند، گرچه ظاهراً در آن مسلمانان می‌زنند.

گروه سوم آنهایی هستند که قراردادهای آگاهانه با امپریالیسم دارند، یعنی جاسوسان سیاسی و کارگزاران سیاسی امپریالیسم در ایران که در میان اقشار مختلف هستند و این‌ها در سطح ظاهر جامعه نیستند و احتیاج به شناسائی دارند و با اصلاح ستون پنجم سیاسی خائن نام می‌گیرند.

گروه چهارم را میتوان آن محافظه‌کارانی نام ببرم که از هر نوع تغییر در بنیادهای جامعه هراس دارند و میخواهند همه چیز مانند گذشته باقی بماند، از فکر جدید، قانون جدید، سنت جدید وحشت دارند. این‌ها با این فکر و روش مانع پاک‌کردن و جافتادن سنت‌ها و ارزش‌های انقلابی و بوجود آمدن انقلاب فرهنگی در جامعه هستند و از این راه این وابستگی به امپریالیسم بخصوص وابستگی فرهنگی به آن را تقویت میکنند.

گروه پنجم که حتما باید از آنها نام برد. این گروه در ظاهر چه‌بسا خلاف امپریالیسم شعار میدهند، ولی متأسفانه نتیجه عمل و روش آنها به نفع امپریالیسم تمام میشود. گرچه خود ندانند و حسن‌نیت هم داشته باشند، این‌ها آن چه‌روان تند و افراطی هستند که روش‌شان این است که هر نوع فکر مخالف خودشان را با روش‌های تند و تخریبی که همان روش‌های متداول در بعضی از کشورهای دنیا است، میکوبند و از این راه مجال فکر و تأمل و مشارکت آزاد و آگاهانه توده‌های گوناگون مردم را در امور از آنها می‌گیرند.

(کیهان - ۲۶ آذر ۵۹)

امپریالیست‌ها و بنگاه‌های چندملیتی به کمک رژیم‌های وابسته و ارتجاعی به سلطه خود بر این کشورها و استعمار خلق‌های ساکن آنها ادامه می‌دهند.

رژیم نژادپرست پرتوریا، به دستگیری متحدان امپریالیستی و ارتجاعی خود - ایالات متحده، بریتانیا، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، کانادا، اسرائیل و ژاپن - کارزار وسیع ترور، اختناق و کشتار خود را علیه مردم آفریقای جنوبی و نامیبیا با شدتی بی‌سابقه پی‌گیری می‌کند.

نیروهای دموکراتیک و مترقی جهان در سال ۱۹۸۰ نیز پشتیبانی خود را از:

تغییرات بنیادی که دراتیوی و آنگولا انجام می‌گیرد.

مبارزه مردم بسیاری از کشورهای آفریقای جنوبی، مانند بنین، کنگو و ماداگاسکار، برای دستیابی به استقلال ملی و اقتصادی واقعی و پایان دادن به چپاول منابع طبیعی خود از سوی امپریالیسم.

توسعه مناسبات و همکاری میان رژیم‌های مترقی آفریقا و کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی، بمنظور تحکیم و گسترش دستاوردهای این رژیم‌ها.

اوج گیری مبارزات خلق‌های آفریقای جنوبی و نامیبیا، به رهبری "کنگوه" ملی آفریقای آفریقای جنوبی و "سواپو".

آفریقا

رویدادهای ۱۹۸۰ در آفریقا نشان داد که:

مبارزه خلق‌های آفریقا علیه امپریالیسم و در راه آزادی ملی و اجتماعی به پیروزی‌های درخشانی انجامیده است.

ادامه تمسیت استقلال ملی و اقتصادی از راه دگرگونی‌های بنیادی اجتماعی در آنگولا، اتیوپی، موزامبیک، الجزایر و غیره به تقویت نیروهای دموکراتیک و مترقی در این کشورها کمک کرده است.

در آنگولا و اتیوپی دگرگونی‌های بنیادی، بر پایه گسترش حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، توسعه شرکت زحمتکشان در دولت و بسیج طبقه کارگر برای ایجاد نقش اساسی در اداره جامعه صورت پذیرفته است.

مردم زیمبابوه، پس از سال‌ها مبارزه جانباخته، به استقلال سیاسی دست یافتند.

وازسوی دیگر در گروه بزرگی از کشورهای آفریقای جنوبی، مانند مصر، کنیا، ساحل عاج، زئیر، مراکش، سودان، غنا، مالدی، کامرون و سنگال،

ابراز داشتند. نیروهای مترقی و دموکراتیک جهان:

سیاست نژادپرستی، استعماری، نواستعماری و سرکوب گرانه رژیم "پرتوریا" نسبت به خلق‌های آفریقای جنوبی و نامیبیا و تجاوزات آنرا علیه "جمهوری خلق آنگولا" و "جمهوری زامبیا" محکوم میکنند.

مانورها امپریالیسم آمریکا را در "ساح آفریقا"، که هدفش شتاب‌زدایی رژیم‌های مترقی و دستاوردهای خلق‌های آن منطقه است، مردود می‌شمرند.

انزجار خود را از توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی برای مقابله با پیکار خلق‌های آفریقا، چون تجاوزات علیه بنین و تحریکات علیه ماداگاسکار ابراز می‌دارند.

مخالفت شدید خود را با مداخلات نظامی امپریالیسم، بویژه امپریالیسم فرانسه، در قاره آفریقا اعلام می‌کنند.

سرکوب نیروهای مترقی را در کامرون، سنگال و رواندا محکوم می‌سازند.

اعتراض خود را نسبت به کوشش رژیم‌هایی چون سنگال و زئیر را برای ایجاد باصطلاح "نیروی نظامی آفریقای"، به منظور حفاظت از رژیم‌های ارتجاعی منطقه اعلام می‌دارند.

ادامه دارد.

عضو است.

وی افزود: «مطرح شد که این عمل وزن و اعتبار ما را در جهان و در چنین جوامعی بالا خواهد برد. جواب ما اینست که ما چنین اعتباری را در رابطه سرمایه‌داری و ستمگر نمی‌خواهیم. ما از اعتباری که به قیمت تحکیم مبانی ظالمانه جهان به سود منافع امپریالیستها و بزبان ملت‌های در بند است، متفریم. اعتبار ما و انقلاب ما در عصیان ما بر علیه نظام ارزشی پوسیده در جهان است. اعتبار ما در چهره سازش‌ناپذیری است که این انقلاب از خود در جهان تصویر کرده است. اعتبار ما در بطن انقلاب و پیام نجات‌بخشی و جهانی اسلامی آن است. اعتبار ما در مواضع ضدیتی است که با استکبار جهانی و وابستگیان به آن داریم و بالاخره اعتبار ما در اسلام و در رهبری سازش‌ناپذیر آن امام خمینی است.»

تصرالهی در پایان گفت: «باتوجه به اینکه در صورت ضرورت نیاز منابع مالی دیگری از قبیل استمدادجستن از مردم مسلمان و انقلابی میهن، یعنی پختن اوراق قرضه و یا کمک از کشورهای دوست و متری مثل لیبی و الجزایر، که خودشان آمادگی کامل ابراز کردند، وجود دارد، من هیچ دلیل موجهی برای شرکت و اضافه کردن سهمیه در این صندوق نمی‌بینم.»

آنگاه محمد خامنه‌ای بعنوان موافق این طرح سخنانی بیان کرد و از جمله گفت:

«این صندوق صرفاً برای حفظ موازنه پرداخت دولتهاست... موازنه پرداخت تنها فلسفه این صندوق است و ما در خطر ورشکستگی و نداشتن پشتوانه‌های ارضی هستیم و چرا چنین چیزی را از دست بدهیم... خروج ما از این صندوق باعث پایین آمدن وزن و امکانات و استطاعت مستضعفین و کشورهای دوست خواهد شد.»

موافق دیگر باغانی بود که نتیجه‌گیری کرد که این افزایش سهمیه برای تحکیم موضع ایران لازم است.

پس از پایان سخنان موافقین و مخالفین شیبیری‌نژاد، نماینده دولت، به سئوالات نمایندگان در این مورد پاسخ گفت و از جمله اظهار داشت:

«ما هیچ حرکت تازه‌ای با تصویب این لایحه انجام نمی‌دهیم و فقط وضع موجود را حفظ خواهیم کرد. در مورد امکان خروج ایران از این صندوق بحث زیادی شده است. ولی قرار بر این است که اگر خواستیم از صندوق خارج شویم، آن را با یک مسئله مهم همراه سازیم و مثلاً در اعتراض به عملی که در این صندوق‌ها زیاد صورت می‌گیرد، باشد.»

نماینده دولت در پایان تأکید کرد که باقی‌ماندن در پست اجرایی این صندوق به معنی داشتن یک تریبون است.

در این جلسه همچنین یکی از نمایندگان دولت توضیح داد که آمریکا و کشورهای صنعتی غرب حدود ۶۰ درصد آراء و سهام صندوق بین‌المللی پول را دارند و چیزی حدود ۴۰ درصد بقیه سهام به سایر کشورها تعلق دارد. سهام آمریکا به تنهایی ۲۰ درصد است. ضمناً برای ورود به این صندوق ۸۵ درصد آراء ضروری است. او سپس تأکید کرد که تصویب این لایحه به معنی اخذ وام نیست، فقط امکان یک وام است و هیچ ربطی به ضعف قوای مالی دولت ندارد. آنگاه محمدعلی رجایی نخست‌وزیر در مقام توضیح این لایحه اظهار داشت:

«تنها یک دلیل دولت را متقاعد کرد که در صورت اجازه مجلس، ما در آن صندوق بناییم. و آن اینست که اگر موقعی لازم شده عنوان اعتراض از صندوق خارج شویم. این هم که می‌گویند برگشتن احتیاج به ۸۵ درصد رای دارد، درست نیست، هر وقت دولتهای امپریالیستی بخواهند تریب ورود به صندوق راهم می‌دهند. ما فعلاً در آن موقعیت قرار داریم و اگر موقعی بخواهیم از آنجا خارج شویم به عنوان عضو ساده انعکاسی ندارد.»

سپس در مورد این لایحه رای‌گیری به عمل آمد، که به تصویب نرسید.

در حاشیه مجلس

حق سخنرانی!

✦ هنگام بحث در مورد افزایش سهمیه ایران در صندوق بین‌المللی پول، دکتر یزدی سؤال کرد: «آنگون اختیارات ایران در این صندوق چیست؟» فواد کریمی در پاسخ وی گفت: «فقط حق سخنرانی دارد!»

شادی نمایندگان از رد یک لایحه

✦ بعد از رد شدن لایحه افزایش سهمیه ایران در صندوق بین‌المللی پول، نمایندگان مجلس با فرستادن تکبیر رضایت خود را اعلام کردند.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

موجب تمام بدبختیها در این سرزمین، آمریکای جنایتکار است

- ✦ شیوه‌های ما باید در جهت قطع هر چه سریعتر وابستگی‌ها باشد.
- ✦ ما از اعتباری که به قیمت تحکیم مبانی ظالمانه به سود منافع امپریالیستها و به‌زیان ملت‌های در بند است، متفریم.
- ✦ اعتبار انقلاب ما در عصیان علیه نظام ارزشی پوسیده در جهان است.
- ✦ طرح افزایش سهمیه ایران در صندوق بین‌المللی پول، از سوی نمایندگان رد شد.

رفع مشکلاتی که برای سپاه در این زمینه ایجاد شده، اقدام شود. وی تأکید کرد که، قید اینکه پس از رفع نیازمندیهای نیروهای مسلح، سپاه بتواند اقدام به تأمین نیازهای خود کند، مشکلات زیادی برای سپاه ایجاد می‌کند. وی افزود:

«سپاه سه نهاد را بیشتر از بقیه در خط امام می‌داند و از آنها پشتیبانی می‌کند: مجلس، دولت و دیگری شورای عالی قضایی.»

آنگاه متن‌نامه واحد به همان صورت و بدون قید پس از رفع نیازمندیهای نیروهای مسلح، به تصویب رسید.

سپس ماده واحد مربوط به افزایش سهم ایران از ۶۶۰ میلیون واحد حق برداشت مخصوص به ۱۰۷۵ میلیون واحد حق برداشت مخصوص، در صندوق بین‌المللی پول مطرح شد.

شیبیری نژاد در توضیح این طرح، ضمن اشاره به اینکه لیبی الجزایر، یوگسلاوی و رومانی عضو این صندوق هستند و لیستان و سازمان آزادیبخش فلسطین نیز تقاضای عضویت کرده‌اند، گفت: «در صورت عدم افزایش سهم ایران، عربستان سعودی جانشین ایران خواهد شد.»

آنگاه تصرالهی، نماینده آبادان، بعنوان مخالف طرح سخن گفت. وی ضمن اشاره به اینکه موجب تمام بدبختیها، کشتارها، چپاولها در این سرزمین، آمریکای جنایتکار بوده است و تأکید اینکه آمریکا دشمن اصلی ماست، گفت:

«شعار استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی را، الان زمان آن رسیده که به آن تحقق عینی و خارجی ببخشیم. یعنی می‌بایست که مبارزه را از قالب شعار به یک شکلی از مبارزه عمیقتر علیه آمریکا و علیه پایگاههای فرهنگی - اقتصادی بکشانیم. بنابراین جهت و شیوه‌هایی که انتخاب می‌کنیم، باید در جهت هر چه سریعتر قطع وابستگی‌های ما باشد. در این رابطه می‌خواهیم ببینیم طرح چنین مسائلی یا احیاناً تصویب چنین مسائلی در جهت سوق دادن ما به سمت وابستگی‌های بیشتر است یا در جهت قطع وابستگیها.»

وی سپس درباره صندوق بین‌المللی پول و تاریخچه آن سخن گفت و تأکید کرد که:

«کشورهای سرمایه‌داری بخصوص آمریکا، به نسبت قدرت و امکانات گسترده مالی خود پیوسته بیشترین سهم و در نتیجه آراء و قدرت نفوذ را در تصمیم‌گیریهای صندوق داشته و دارند.»

او گفت: «در حال حاضر ۷ کشور سرمایه‌داری جهان، یعنی آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان غربی، ژاپن، کانادا و ایتالیا بیش از نصف کل سرمایه این صندوق را به خود اختصاص داده‌اند، و کشورهای در حال رشد، که ۸۰٪ آراء را تشکیل می‌دهند، سهمشان یک کل سهام است. با توجه به نفوذی که آراء در تصمیم‌گیریها دارند. آمریکا سهم بسیار زیادی دارد، ۴۰٪ کل آراء را آمریکا به خودش اختصاص داده. با توجه به اینکه تصمیمات متخذه در این صندوق با اکثریت ۸۵٪ آراء تصویب می‌شود، آمریکا بر احوال می‌تواند بتواند بتواند یک حق و تو، کلیه تصمیم‌گیریهای این صندوق را باصطلاح خنثی کند.»

تصرالهی اضافه کرد: «صندوق بین‌المللی پول نیز عملکردی مشابه با بانکهای سرمایه‌داری دارد. منتهی در مقیاس جهانی و گسترده‌تر. یعنی پولهای کشورهای روبه رشد جهان سوم را، جمع‌آوری کرده و در اختیار تراستها و کارتلها و انحصارات غول‌پیکر و شرکت‌های معظم امپریالیستی قرار می‌دهد تا آنها با ابراحتی سرمایه‌گذاری کرده و هر چه بیشتر به چپاول و استثمار ملل در بند بپردازند. در حقیقت صندوق مذکور، بانک مرکزی بانکهای مرکزی کشورهای

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، نمایندگان در نطق پیش از دستور به شدت به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، حمله کردند و خواستار قاطعیت مسئولین در اجرای امور شدند.

در آغاز این جلسه صلواتی، نماینده اصفهان، به عنوان اولین سخنران قبل از دستور، درباره مبارزات تمام نیروهای انقلاب در صحنه نبرد با تجاوزگران صدامی سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«همه با هم در راه یک هدف علیه ستمکاری به پا خواستند. آنها یامی که داشتند که به دیگر برادرانشان ابلاغ شود آن بود که دولتمردان ما متفق و متحد شوند، و این نیز سخن امامان است که فرمود در این شرایط بیش‌ازهر چیز احتیاج به آرامش و وحدت داریم.»

صلواتی، که مسئول سوادآموزی نیز هست، افزود: «امیداست با الهام از فرمایشاتی بدون طرح تضادها، با کمک نمایندگان و ملت ایران، بتوانیم بی‌سوادانی را که طاغوتی دیگر است، از ایران ریشه کن کنیم.»

وی سپس به موضوع فروش اسلحه فرانسه به عراق اشاره و تأکید کرد که:

«ما دولت فرانسه را دشمن خودمان دانسته و منحرف از جاده بشریت و حقوق بشریت خواهیم دانست و با آن‌همه سوابق دوستی و بشردوستی، تدوین اعلامیه حقوق بشر، ما آنها را ضدبشر خواهیم دانست.»

سپس حقانی، دومین سخنران پیش از دستور، طی سخنانی طولماری از حوزه علمیه قم، با امضاء ۵ هزار نفر، را در مجلس خواند. در این طومار، امضاءکنندگان، ضمن حمایت از روحانیت مبارز و متعهد، تلاش کسانی را که می‌خواهند به تضعیف روحانیون بپردازند، محکوم کرده بودند.

آنگاه محمد نوروزی، نماینده گنبد، سومین سخنران قبل از دستور، طی سخنانی خطاب به ریگان گفت:

«سخنی دارم با منحط‌ترین موجودات و کاملترین نمونه زناقت و پستی. با کسی که همانند انسانها بر دنیا راه می‌رود. ننگ‌دارم از اینکه نام تنگینش را ببرم. شنیده‌ام که یاد زمان هنرپیشگی‌اش افتاده و بلوف زده‌است. او رفاصه‌ای بوده است در آمریکا. آیا روزگار برادر بزرگت، کارتر، برایت درس عبرت نشده است؟ آیا ندیدی که بدست این ملت غیور گوش و دمش پریده شد و رسوای عام گردید؟ و آیا روزگار برادر کوچک کارتر، که در ایران به او می‌گفتند قیله عالم، ذات اقدس همایونی، پادشاه اسلام‌پناه، مروج اسلام و چاپ‌کننده قرآن و از آمریکاه قول حمایت گرفته بود، چطور بایک ضربه این ملت زوزه کشان این دیار را ترک کرد و هزاران فدائیش هم همراه او رفتند... و الان تعدادی از آنها با روزگاری سپاه در مقابل کاخ سفید، پوزه به خاک می‌مالند و حیل‌گریزترین آنها در عراق هستند که عنقریب اربابش دمش در تله ایران قطع می‌شود.»

وی افزود: «ای مایه ننگ ملت ستمدیده آمریکا، معیارهای ما در میزان سنجش تو نمی‌گنجد.»

محمد نوروزی سپس خطاب به رئیس‌جمهور اظهار داشت: «آیا نابسامانیهای مردم را نمی‌بینید؟ چرا تاکنون ۳ وزیر، که جان دولت، تعیین نشده‌اند؟ آیا ممکن است با نبودن وزیر امور خارجه، وزیر بازرگانی و اقتصاد، ما روابط خارجی و تجارت خارجی و اقتصاد سالمی داشته باشیم؟»

وی آنگاه خطاب به دولت گفت: «فرزند مجلسی باید به شکلی عمل بکند که عاقولان نشود و مقلد امام، زمانی تحقق می‌یابد که قاطعانه عمل کند، چون امامش قاطع است.»

او سپس تأکید کرد که: «آنچه درین است، ارث نیست که تقسیم کنند یا نزاع، بلکه حقوق ملت است که باید با تقوی در حفاظتش کوشا بود.»

محمد نوروزی آنگاه در مورد حوزه انتخابیه خود، گنبدکارس صحبت کرد و تأکید کرد که به کشاورز ما ظلم می‌شود. او گفت: «کشاورزی که با ۵ هکتار زمین هم زندگی خود را اداره میکند و هم اقتصاد مملکت را اداره می‌کند، جلوی او را گرفته‌اند و نمی‌گذارند کشت شود.»

سپس مجلس وارد دستور شد و لایحه تأمین نیازمندیهای سپاه پاسداران برای شور دوم مطرح گردید. مخبر کمیسیون دفاع، دکتر روحانی، درباره این طرح گزارش داد. سپس متن ماده واحده، که مربوط به تأمین نیازهای پرسنلی سپاه از میان مسئولین نظام - وظیفه است قرائت شد. طبق این طرح، سپاه می‌تواند افراد مشمول را برای خدمت در سپاه بپذیرد و پس از اتمام مدت، برگ پایان خدمت برای آنها صادر کند. پس از توضیحات مخبر کمیسیون، درباره این ماده پیشنهادی نمایندگان مطرح شد.

آنگاه مهتدی، نماینده سپاه پاسداران، ضمن ارائه توضیحاتی، متذکر شد که قبلاً نیز از شورای انقلاب خواسته شده بود که برای

هواپیماهای...

۲- روز گذشته مناطق مسکونی و نقاط مختلف شهر اهواز از ساعت ۱۵:۳۰ الی ۱۶:۱۰ زیر آتش توپخانه‌های دوربرد دشمن قرار داشته، که متقابلاً توپخانه‌نیرو - های مسلح جمهوری اسلامی ایران، مستقر در جبهه‌های اهواز، ۴ آتش نیروهای دشمن پاسخ دادند. هفت تن از هم‌میهنان زیزمان در شهر اهواز شهید و

۳۰ نفر مجروح شدند. ۳- پریروز در جبهه‌های اهواز و سوسنگرد، مبادله آتش توپخانه و سلاحهای سنگین بین نیروهای خودی و نیروهای دشمن ادامه داشت و دو نفر از پرسنل ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران در جبهه سوسنگرد بر اثر ترکش خمپاره دشمن مجروح شدند. ۴- روز هفتم دیماه شهرهای همدان، آبادان، دزفول و ایلام مورد حمله هوایی هواپیماهای

دشمن قرار گرفت، که بر اثر آتش پدافند توپخانه هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، متواری شدند. همچنین ساعت ۴:۵۰ دقیقه روز هشتم دیماه، یک فروند هواپیمای دشمن در آسمان اهواز ظاهر شد، که بر اثر تیراندازی مدافعان شهر و پدافند هوایی رزمندگان نیروهای مسلح، مجبور به فرار شد. ۵- در جبهه‌های آبادان بطور متناوب بین نیروهای خودی و دشمن پسا سلاحهای سنگین و

انهدام بیست و یک دستگاه کامیون سبک و سنگین دشمن. ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «در تاریخ ۸ و ۹ دی در پی یک عملیات تهاجمی به مقر ضدانقلابیون، ارتش، سپاه پاسداران و ژاندارمری محل با همکاری یکدیگر توانستند تلفات سنگینی به عناصر مسلح غیر- قانونی و مزدوران صدام وارد و

ارتفاعات بویابا محور برده‌بهرن را به تصرف خود درآورند. در این عملیات شجاعانه دو پاسدار و دو ارزتی زخمی شدند که حالشان رضایت‌بخش است. بدینوسیله فرمانداری سرشدت به کلیه روستاها در حومه سرشدت اخطار می‌کند به ضدانقلابیون و مزدوران عراقی اجازه ندهند که از روستا های آنان به عنوان سنگر برای خود استفاده کنند، در غیر این صورت مجبور به عکس‌العمل شدید خواهیم بود.»

حجت الاسلام خلیلی:

وافور و وسائل قمار و فیلمهای سکسی را از بعضی روحانی نماها گرفته ام

حجت الاسلام خلیلی، نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی، که از روستاهای زلزله زده قم بازدید می کرد، بعد از پایان این بازدید، در مساجد با خبرنگار روزنامه کیهان (۹۱۰۹۹) درباره علل استعفای خود از «ستاد مبارزه با مواد مخدر» سخن گفت.

حجت الاسلام خلیلی پس از شرح مختص فعالیت هایی که در زمان او «ستاد مبارزه با مواد مخدر» انجام داده است، از جمله گفت:

«جریمه گرفتن ما را رشوه قلمداد کرده اند و نوشتند و حد و تعزیر اغواگران و متجاوزین به کودکان و باند هروئین فروش را شکنجه قتل کرده اند و بوق و کرنای آنها سر داده اند و حال آنکه از قضاوت اسلامی و غیراسلامی نه چیزی خوانده بودند و نه درک کرده بودند. من دردهای پرسوزی دارم. با این خدمات ارزنده و بیلای کار که در اختیار همگان و قبلا در اختیار امام و دفتر امام قرار داده ام، ما را رشوه خوار معرفی میکنند و روزنامه تازه بدوران رسیده انقلاب اسلامی خبر ندارد که در دادگاههای انقلاب اسلامی در تصفیه هزار فامیل ما می توانستیم میلیاردها تومان پول و طلا و جواهرات از آنها بگیریم...»

«امیدوارم افراد مسئول دیگری اینکار را دنبال کنند. دیگر ما نمی توانیم سرمان را زیر بگیریم و هر کس و ناکسی بخواهد بعنوان ابراز شجاعت و شهادت بر ما حمله کند و ما هم توانیم حرفی بزنیم تا در نتیجه ما جلاد باشیم و آقایان دیگر رحمت العالمین. در حدود ۴۰ نفر را از ۲ ماه

پیش باینطرف دستگیر کرده ام و حکم اعدام آنها را داده ام و پرونده آنها را به شورای عالی قضائی فرستاده ام. همه آنها از نظر ما محکوم به اعدام هستند. نباید شورای عالی قضائی تحت تاثیر قرار بگیرد. فلان قاچاقچی همدانی را با ده کیلو شیره بعنوان اینکه برادرش اهل علم است و داماد یکی از اساتید حوزه علمیه قم است، تبرئه کنند. ما باید بدون در نظر گرفتن توصیه ها و فامیل و قوم و خویشی، افراد را به جزای اعمال کثیف خود برسانیم. و واهمه از کسی نداشته باشیم. این واسطه ها به مراتب بدتر از آنکسی است که صاحب اصلی شیره است، چرا که او از ترس ما و گروه ضربت، تریاک و شیره را پنهان میکند، ولی این دلال می رود و به او دل و جرات میدهد تا مواد مخدر را از او بگیرند و به بازار عرضه کنند و نوجوانان ما را به انحطاط بکشانند...»

«متجاوز از ده هزار دختر جوان بخاطر این گرد لنتی از شوهران خود طلاق گرفته و به فساد و منجلاب کشیده شده اند، کودکان معصوم عامل دست هروئین فروشها شده اند که نمره شوم آن یادگرفتن راه جنایت و دزدی و بی شرمی و بی بندوباری بوده است.

عشرتکده های زیادی را بسته ام و خانه های فساد را تعطیل کرده ام و حتی وافور و وسائل قمار و فیلمهای سکسی را از بعضی روحانی نماها گرفته ام و برای آنها پرونده قلمرویی موجود است که حجت الاسلام محمد منتظری و بعضی دیگر به این مسئله واقفند. و من نمی خواهم بیش از این پرده ها را بالا بزنم.»

دعوت انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران تهران و حومه

برای شرکت در مراسم شب هفت شادروان ولی الله مظاهری

یکی از پیشکوتان جنبش کارگری ایران، شادروان ولی الله مظاهری، در تصادف شبانه با کامیون جان خود را از دست داد و دوستان و عزیزان خود را عزادار ساخت.

برای شب هفت آن مرحوم، مجلسی در شبستان شماره ۵ بهشت زهرا، از ساعت ۳ بعد از ظهر روز چهارشنبه مورخ ۱۰/۹/۵۹ منعقد خواهد شد. از همه علاقه مندان به نهضت کارگری دعوت می شود که در این مراسم شرکت کنند.

برای حرکت به طرف بهشت زهرا، در ساعت ۱ بعد از ظهر روز چهارشنبه، وسیله در جلوی در انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران، واقع در دروازه شمیران، نبش خیابان مهدی رضائی، پلاک شماره ۷، آماده است.

انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران تهران و حومه.

آنچه مردم...

بقیه از صفحه ۲

مسخ و نابود کنند، محکوم کردند و بدانها، نسبت به لبریز شدن کاسه صبر ملت، هشدار دادند.

مردم از تملل در تعیین وزرای خارجه، اقتصاد، دارائی و بازرگانی انتقاد کردند و خواستار پیگیری مجلس شورای اسلامی در این مورد و توضیح علت تمویق این امر شدند. مردم تعیین هر چه سریعتر این وزرا را تقاضا کردند.

مردم نشریات نفاق افکن و توطئه گر را، که به تشویق روحانیت مبارز بیرو خط امام و رهبر انقلاب مشغولند، محکوم کردند و بدانها هشدار دادند.

مردم اعمال تشنج آفرین و استفاد از حربه های اعتصاب، کم کاری، تحصن و راهپیمائی را بسود شیطان بزرگ آمریکا ارزیابی کردند و به امپریالیسم

پرسش و پاسخ

شماره ۱۹

منتشر شد

۳۰ هزار خانواده دهقانی افغانستان صاحب زمین شدند

سیصد هزار خانواده دهقانی، در اولین مرحله اجرای برنامه اصلاحات ارضی در افغانستان، صاحب زمین شدند و از چنگال فئودالها و زمینداران نجات پیدا کردند.

مطبوعات افغانستان، ضمن اعلام این خبر، عملکرد برنامه عمرانی افغانستان را مورد بررسی قرار دادند و آنرا موفقیت آمیز ارزیابی کردند. با اجرای این برنامه، بخش های دولتی، مختلط و خصوصی روبه توسعه است و دولت نسبت به بهبود زندگی دهقانان توجه جدی دارد.

اصلاحات ارضی، که با قطعیت دنبال میشود، دهقانان را صاحب زمین می کند و رفاه دهقانان، که بیش از هشتاد درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند، از اولویتهای برنامه دولت انقلابی است. همراه با اجرای برنامه اصلاحات ارضی، که در آن، علاوه بر زمین، کود و بذرم به دهقانان داده میشود، مبارزه وسیعی علیه بیسوادی در روستاها شروع شده است.



تجاوز تایلد به کامپوچیا انقلابی

خبرگزاری کامپوچیا گزارش داد که نیروهای تایلدی کماکان به تحریکات مسلحانه علیه این کشور ادامه میدهند. از ۱۶ تا ۱۹ دسامبر گذشته، نیروی هوائی تایلد، ۱۷ بار حریم هوایی کامپوچیا را نقض کرد و تویخانه تایلدی نیز بارها نواحی مرزی کامپوچیا را زیر آتش گرفت. چند بار باند های دارودسته پولپوت - ینگ ساری، زیر حمایت آتش تویخانه تایلد، تلاش کردند وارد کامپوچیا شوند. بر اثر حملات ارتش تایلد، عده زیادی از مردم نواحی مرزی کامپوچیا، کشته و مجروح شدند.

اسرائیل پس از کمپدپوید، متجاوزتر شده است

کریم خلف شهردار شهر رام الله در کرانه غربی رود اردن، گفت:

«امضاء موافقتنامه خائنه کمپ دیوید، به فشار و ترور هر چه بیشتر اسرائیل در سرزمین های اشغالی منجر شده است.»

شهردار رام الله گفت:

«مقامهای صهیونیست، در سرزمین های اشغالی، بطور گسترده ای به غارت، سرکوب، قتل، بازداشت های دستجمعی جوانان و اعضای اتحادیه های کارگری و اخراج شهرداران مبادرت می کنند.»

کریم خلف گفت:

«اگر آمریکا از صهیونیست ها حمایت نمیکرد، رژیم تل آویو هرگز نمی توانست به این جنایات مبادرت ورزد و این امپریالیسم آمریکاست که اسرائیل را در سیاستهای تجاوز کارانه اش تشویق میکند.»

رزمندگان السالوادور، در نواحی آزاد شده، دولت انقلابی تشکیل میدهند

رزمندگان میهن دوست السالوادور، تهاجم گسترده ای را در شمال کشور، علیه دارودسته دست نشانده حاکم پر کشور، که از سوی امپریالیسم آمریکا حمایت میشوند، آغاز کرده اند. یگانهای جبهه آزادی بخش «فابوندا و مارتی»، پنج شهر را در شمال السالوادور محاصره و دوشهر را تصرف کرده اند. یگانهای این جبهه، ضربات درهم شکننده ای به ارتش مزدوران آمریکا وارد ساخته اند. دارودسته دست نشانده السالوادور با شتاب واحدهای تقویتی به شمال کشور گسیل میدارد. رهبری عملیات مزدوران ارتشی را مستشاران آمریکائی بعهده دارند.

گزارشهای رسیده حاکی از آنستکه جبهه آزادی بخش «فابوندا و مارتی»، مقادیر زیادی اسلحه و مهمات به غنیمت گرفته اند. یک مقام جبهه دمکراتیک انقلابی - نیروهای مخالف رژیم اعلام کرد که بزودی در نواحی آزاد شده، دولت انقلابی تشکیل میشود.

از سوی دیگر سیمین فیوگوس، یکی از رهبران میهن دوستان السالوادور، درباره مداخله احتمالی رژیمهای دست نشانده هندوراس و گواتمالا در السالوادور، برای حفظ دارودسته حاکم پر کشور، هشدار داد.

رهبر افغانستان بار دیگر ایران و پاکستان را به مذاکره دعوت کرد

ببرک کارمل، رهبر افغانستان، بار دیگر از ایران و پاکستان خواست تا گفتگو را با این کشور آغاز و اختلافات با افغانستان را بطور مسالمت آمیز حل کنند.

کارمل در سخنرانی خود در کنفرانس نیروهای ملی و میهن دوست، در کابل، گفت:

«به تاخیر افتادن مذاکرات، تنها می تواند اوضاع را در منطقه بیش از پیش وخیمتر کند و به تلفات انسانی بیشتر منجر شود.» رهبر افغانستان تاکید کرد:

«خوابکاری از سوی امپریالیسم جهانی و برتری طلبان پکن، آسیب های جدی به اقتصاد افغانستان وارد کرده، اما پایداری و سخت کوشی خلق افغان و کمکهای برادرانه اتحاد شوروی، تمام توطئه های ارتجاع جهانی را نابود کرده است.»

کارمل خواستار تحکیم صفوف نیروهای ملی و میهن دوست برای ساختمان یک افغانستان شکوفا شد.

مردم هلند با استقرار موشکهای هسته ای در اروپای غربی مخالف اند

بر اساس تحقیقات «موسسه مطالعات سیاسی و اجتماعی هلند»، اکثریت مردم این کشور با استقرار موشکهای هسته ای در اروپای غربی مخالف اند.

«موسسه مطالعات سیاسی و اجتماعی هلند» اعلام کرده است که ۶۵ درصد مردم هلند با استقرار این موشکها در هلند نیز مخالفت کرده اند و این امر را بخشی از توطئه های ماجراجویانه پیمان نظامی «ناتو» می دانند.

این مخالفت در حالی اعلام میشود که رهبران پیمان «ناتو»، برغم مخالفت های گسترده ملل کشورهای عضو این پیمان، کماکان قصد دارند نقشه های خود را در این زمینه اجرا کنند.

در کنفرانس سه روزه رسانه های گروهی هند گفته شد:

اخبار مربوط به «جهان سوم» از طرف امپریالیسم خبری بنحوی ارائه میشود که مورد پسند غرب باشد

«خبرگزاری های امپریالیستی درباره مسائل بین المللی تنها جزئی از حقایق را پخش و نظریات غرب را در این مسائل منتشر می کنند.»

دکتر «مانکه کار»، روزنامه نگار برجسته هندی و مشاور یونسکو، که در کنفرانس ملی سه روزه رسانه های گروهی هند سخن می گفت، به سخنان بالا افزود:

«خبرگزاری های انحصاری امپریالیستی درباره مسائل بین المللی به اختلافات دامین میزنند و گزارش های مربوط به انقلاب در جهان سوم نمونه ای از این تلاش است.»

دکتر «مانکه کار» افزود:

«بموجب آمارهای دقیق، ۷۵ درصد گزارشها و خبرهای خبرگزاری های امپریالیستی آسوشیتد پرسی، یونایتد پرسی، رویتر و خبرگزاری فرانسه درباره رویدادهای آمریکای شمالی و اروپای غربی است. تنها ۲۵ درصد خبرها به کشورهای در حال توسعه، که دوسوم جمعیت جهان را دربر می گیرند، اختصاص دارد. البته مساله به اینجا خاتمه نمی یابد. اخبار مربوط به جهان سوم بنحوی ارائه میشود که مورد پسند غرب باشد.»

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

Advertisement for 'NAMEH MARDOM' magazine, No. 408, 31 December 1980. Includes a list of subscription prices for various countries like West-Germany, France, Austria, England, Belgium, Italy, U.S.A., and Sweden.

Advertisement for 'NAMEH MARDOM' magazine, No. 408, 31 December 1980. Includes a list of subscription prices for various countries like West-Germany, France, Austria, England, Belgium, Italy, U.S.A., and Sweden.